



پژوهشنامه حقوق کیفری



سال نهم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۷

شماره پیاپی ۱۸

نقد سیاست کیفری تقنینی و قضایی ایران در جرم‌انگاری و تعیین کیفر شکار و صید گونه‌های جانوری

دکتر امین جعفری^۱ ✉
اصغر احمدی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۸/۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۱/۱۶

چکیده

عملکرد مقنن در حمایت از گونه‌های جانوری چالش‌های فراوانی به همراه دارد که نه تنها سبب آشفتگی و عدم شفافیت قوانین حمایتی در جرم‌انگاری گشته، بلکه سبب آشفتگی در سیاست کیفری قضایی در تعیین کیفر برای شکار و صید نیز شده است. از این رو هدف این پژوهش که با روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای نگارش شده، به تصویر کشیدن آشفتگی موجود در سیاست کیفری تقنینی و قضایی در جرم‌انگاری و تعیین کیفر برای شکارچیان و صیادان می‌باشد. یافته‌های این پژوهش را می‌توان در سه مورد نظاره‌گر بود. نخست آن‌که گونه‌های جانوری موجود در ایران هر چند از تنوع مناسبی برخوردار هستند اما در وضعیت نامناسبی قرار گرفته‌اند. دوم آن‌که سیاست کیفری تقنینی ایران با چالش‌هایی چون عدم جرم‌انگاری بر مبنای معیاری واحد، عدم تعیین گونه‌های جانوری و تعارض قوانین حمایتی روبه‌رو می‌باشد و سوم سیاست کیفری قضایی نیز در تشخیص مستند قانونی معتبر دچار آشفتگی می‌باشد.

واژگان کلیدی: گونه‌های جانوری، شکار و صید، سیاست کیفری تقنینی، سیاست کیفری قضایی، جرم‌انگاری، تعیین کیفر

✉ amin.jafari@atu.ac.ir

۱. استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول)

۲. کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه اصفهان

مقدمه

جانوران به عنوان بخشی مهم از محیط زیست همواره نمادی از زیبایی و فرهنگ کشورها محسوب شده‌اند. در این میان کشور ایران علاوه بر سرزمین‌های بکر و ستودنی، دارای گونه‌های جانوری بوده که شگفتی بسیاری بر محیط زیست این مرز و بوم افزوده است. از این رو سازگاری جانوران مهاجر و بومی شدن تدریجی آن‌ها در گذر زمان، تنوع زیستی سرزمین ایران را غنی و پربارتر کرده است. به همین جهت است که پژوهش‌گران امروزی هرگز تعجب نمی‌کنند که در شمال سرزمین ایران شوکا و رودک اروپایی، در جنوب رودک عسل‌خوار، خارپشت بیابانی و خفاش میوه‌خوار و خرس سیاه آفریقایی تبار، در شرق و جنوب شرقی آن جرد هندی و سنجاب بلوچی هندی تبار را در کنار جانوران ایرانی مانند گوزن زرد ایرانی و گور ایرانی ببینند که از دگرگونی‌های فراوان جان به در برده‌اند به طوری که می‌توان گفت سرزمین ایران مانند چهارراهی، محل تلاقی و جایگزینی جانوران اروپایی، آفریقایی، آسیایی و شبه قاره هند بوده است. تا یکصد سال پیش در پیرامون شهرها و روستاهای ایران، گله‌های بزرگ آهو، گوزن، گوسفند وحشی و گورخر ایرانی در زیر سایه بال‌های دسته‌های بزرگ پرندگان وحشی در چرا بودند و شیر و ببر و پلنگ که به فراوانی یافت می‌شدند جمعیت آن‌ها را مهار می‌کردند. اما حیات وحش ایران امروز در چه وضعی است؟ می‌توان گفت که ساکنان این سرزمین، وارث تنوع زیبایی هستند که رو به زوال است (فرهنگ‌نامه حیات وحش ایران، ۱۳۹۰: ۲۳-۲۱). متأسفانه امروزه به دلایل گوناگون مانند شکار و صید، از بین بردن منابع طبیعی و زیستگاه آنان، خشک‌سالی، آلودگی‌های زیست محیطی و گرمایش زمین قشری عظیم از جانوران ساکن ایران یا از بین رفته‌اند مانند شیر و ببر یا در معرض انقراض قرار گرفته‌اند مانند پلنگ و یوزپلنگ.

با توجه به این‌که مداخله انسان در زندگی حیوانات وحشی و اهلی، تنوع زیستی را با خطر مواجه کرده (وایت، ۱۳۹۴: ۱۳۳) و آسیب به گونه‌های جانوری آن‌ها را در معرض خطر انقراض قرار داده است (Walters, 2007; Stretesky and Lynch, 2009; قوام، ۱۳۷۵: ۳۱)، مقنن ایرانی نیز همانند دیگر قانون‌گذاران که به حمایت کیفری از گونه‌های جانوری پرداخته‌اند (Sollund, 2013: 83) در برابر شکار و صید سه قانون را تصویب کرد که هم‌اکنون قوانین دارای اعتبار در نظام حقوقی ایران هستند. گام نخست در سال ۱۳۴۶ با تصویب قانون شکار و صید برداشته شد که خود ناسخ قانون شکار مصوب ۱۳۳۵ بود. گام دوم با تصویب قانون حفاظت و بهره‌برداری از منابع آبی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۴ (از این پس قانون منابع آبی) برداشته شد که حمایت کیفری از آبریان را از حاکمیت قانون شکار و صید خارج و در حکومت خود قرار داد. سرانجام در گام پسین، قانون‌گذار در قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ دو ماده را به شکار و صید جانوران اختصاص داد. با توجه به این مقررات پرسشی که پژوهش حاضر در پی پاسخ به آن است این است که آیا سیاست کیفری تقنینی و

قضایی ایران در جرم‌انگاری و تعیین کیفر برای شکارچیان و صیادان گونه‌های جانوری، کارایی و شفافیت لازم را دارد یا خیر.

توضیح آن‌که از یک‌سو نظام حقوقی ایران در جرم‌انگاری شکار و صید جانوران دو چالش عمده را به وجود آورده است. نخست رفتار بزه‌کارانه و دوم موضوع بزه. در زمینه رفتار بزه‌کارانه باید بیان داشت که در دو قانون پیش گفته معیار سنجیده واحدی مانند جرم‌انگاری گونه‌محور (بر مبنای گونه جانوری) در نظر گرفته نشده است و ترکیبی از معیارهای مختلف چون معیار زمانی (فصول و ساعات)؛ مکانی (منطقه ممنوع، قرق اختصاصی، منطقه حفاظت شده، پناه‌گاه حیات وحش و پارک ملی)؛ طریقی و وسیله‌ای (انواع اسلحه و مهمات و طرق و وسایل شکار) و نوعی (جانوران شکار و صید شده) در نظر گرفته شده که سبب آشفتگی بسیار در تشخیص مقررات اصلاح شده است. دوم آن‌که یکی از معیارهای جرم‌انگاری در قانون شکار و صید مصوب ۱۳۴۶ معیار گونه‌محور بوده است که این امر لازم می‌نماید با توجه به کیفرهای متفاوت پیش‌بینی شده در این قانون، در سطح مقررات فروتقنینی جانوران موضوع شکار و صید را تعیین نمایند. این دو امر از این جهت مهم هستند که از سوی دیگر مراجع قضایی ایران در تعیین کیفر برای شکارچیان و صیادان نخست با چالش تشخیص دقیق مستند قانونی رفتار بزه‌کارانه و دوم با چالش ناشناختگی موضوع بزه روبه‌رو هستند؛ زیرا گاه رفتار بزه‌کارانه را اشتباه تشخیص داده و مشمول مقرره‌ای می‌گرداند که از پایه مرتبط با آن رفتار نیست و گاه به جهت تشخیص اشتباه موضوع بزه (جانور شکار یا صید شده) آرای متفاوتی صادر می‌شود که این امر باعث می‌شود که قضات دادگاه‌ها که هر یک با تفسیر و برداشت خاص از مواد به سیاست جنایی تقنینی، حیات قضایی مطلوب خود را می‌دهند (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۹۶: ۵۵۹) در تعیین کیفر دچار آشفتگی شوند.

از این رو لازم است به جهت وضعیت بحرانی گونه‌های جانوری ایران و آشفتگی سیاست کیفری تقنینی و قضایی در جرم‌انگاری و تعیین کیفر برای شکارچیان و صیادان؛ نخست رفتار بزه‌کارانه آنان روشن و تشخیص داده شود که این رفتار تحت سیطره کدام مقرره قانونی قرار خواهد گرفت و دوم موضوع بزه، یعنی جانوران خشکی‌زی و آبی موجود در ایران مشخص شوند تا گامی به سوی جرم‌انگاری و تعیین کیفر صحیح در این خصوص برداشته شود. به همین جهت برای به تصویر کشیدن آشفتگی موجود در سیاست کیفری تقنینی و قضایی ایران و نقد آن، مطالب این پژوهش در دو قسمت بیان خواهند شد. نخست سیاست کیفری تقنینی و آشفتگی در جرم‌انگاری و دوم سیاست کیفری قضایی و آشفتگی در تعیین کیفر.

نخست: سیاست کیفری تقنینی و آشفتگی در جرم‌انگاری

پیش از پرداختن به بحث اصلی، ذکر سه نکته لازم می‌باشد. نخست تعریف شکار و صید است. ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی قانون شکار و صید مصوب ۱۳۴۶ (اصلاحی ۱۳۷۴) در تعریف شکار مقرر می‌دارد:

«... تیراندازی به پستانداران و پرندگان و خزندگان وحشی یا کشتن یا گرفتن یا تعقیب کردن آن‌ها به هر کیفیت و وسیله و طریق». همچنین ماده سه این آیین‌نامه در تعریف صید بیان می‌دارد: «کشتن یا گرفتن آبریان قابل صید به هر کیفیت و وسیله و طریق یا تیر اندازی به آن‌ها». دوم، همان‌طور که از مواد مزبور نمایان است، تعریف شکار اختصاص به جانوران خشکی‌زی دارد و تعریف صید مختص به جانوران آبی‌زی شده است؛ به همین جهت صید جانوران آبی مشمول قانون منابع آبی مصوب ۱۳۷۴ می‌شود نه قانون شکار و صید مصوب ۱۳۴۶. برای همین، آیین‌نامه اجرایی این قانون مصوب ۱۳۷۸ تعریف جدیدی از صید در بند ۸ ماده یک خود ارائه داده است که مطابق آن: «صید عملیاتی است که به منظور خارج کردن آبریان^۱ از محیط زیست طبیعی آن‌ها صورت می‌گیرد». سوم آن‌که وحشی بودن جانور یکی از عناصر اساسی تحقق این جرم است، بنابراین زنده‌گیری یا اتلاف حیوانات اهلی شکار محسوب نمی‌شود (خالقی، ۱۳۸۹: ۱۶۴). حال باید دید که نظام کیفری تقنینی ایران چه سیاستی را برای جرم‌انگاری شکار و صید جانوران در نظر گرفته است. به همین جهت لازم است که نخست گونه‌های جرم‌انگاری در سیاست کیفری تقنینی ایران روشن گردند و سپس چالش‌های آن بیان شوند.

الف: گونه‌های جرم‌انگاری

در سیاست کیفری تقنینی پنج معیار گونه، مکان، زمان، وسیله و طریقه شکار در نظر گرفته شده‌اند.

۱. جرم‌انگاری گونه‌محور

قانون‌گذار در سه قانون شکار و صید، تعزیرات و منابع آبی در مجموع از هفت‌گونه جانوری حمایت کیفری به عمل آورده است. در قانون شکار و صید چهار گونه مورد حمایت واقع شده که عبارت است از: گونه جانوری عادی^۲، گونه جانوری حمایت شده^۳، گونه جانوری در معرض خطر انقراض^۱ و

۱. بند ۱ از ماده ۱ این آیین‌نامه در تعریف آبریان مقرر می‌دارد: «عبارتند از کلیه موجودات زنده اعم از جانوری و گیاهی، آب‌های شیرین، شور و لب‌شور دریا یا موجوداتی که مراحلی از چرخه زندگی (شامل کلیه مراحل رشد و نمو از قبیل تخم، لارو و نوزادی و غیره) و یا مدت زیادی از عمر خود را در آب طی می‌کنند».

۲. جانور عادی به جهت جمعیت مناسبی که دارد در زمره جانوران حمایت شده و در معرض انقراض قرار نمی‌گیرد. بر مبنای مصوبه شماره ۱۶۸ جانوران عادی به قرار ذیل‌اند: الف: پستانداران وحشی: کل و بز وحشی، انواع سمور، سنجاب، شنگ (سگ آبی)، گرگ، شغال، روباه معمولی، کفتار، گورکن، گراز، خرگوش، انواع رودک، نوتریا، انواع موش خرما (نمس - راسو)، پایکا (خرگوش موش) و تشی. ب: پرندگان وحشی: کبک، تیهو، بلدرچین، کوکرها، باقرقره، ابیا، نوک دراز، توکا، دودوک، کشیم‌ها، انواع غازها، انواع مرغابی‌ها، آنقوت، چنگر، کبوتر، فاخته، قمری، چکاوک، زرده پره مزرعه، زرده پره سرسیاه، سار و سهره. ج: خزندگان وحشی: انواع دیگر لاک‌پشت‌ها و انواع دیگر مارها. د: آبریان: سایر ماهیان آب شیرین و شوری که در آب‌های داخلی و مصب رودخانه‌ها یافت می‌شوند.

۱. بر طبق ماده ۴ آیین‌نامه اجرایی قانون شکار و صید مصوب ۱۳۴۶ (اصلاحی ۱۳۷۴) منظور از حیوانات حمایت شده: «جانوران وحشی هستند که در شرف تکثیر یا در معرض خطر و یا نادر و نافع باشند». با توجه به این‌که حمایت شدن

پرنندگان شکاری. ماده ۱۰ (بند الف) قانون شکار و صید برای شکار جانوران وحشی عادی بدون پروانه کیفر جزای نقدی از یکصد هزار (۱۰۰۰۰۰) ریال یا حبس از یک ماه تا شش ماه را در نظر گرفته است. در خصوص جانوران حمایت شده، ماده ۱۲ (بند الف) کیفر حبس از سه ماه تا سه سال و یا جزای نقدی از یک میلیون و پانصد هزار ریال تا هجده میلیون ریال را پیش‌بینی کرده است. ماده ۱۳

جانور یک وصف است که در طول زمان متغییر است، شناسایی آن‌ها دشوار می‌باشد. با این وجود بر مبنای مصوبه شماره ۱۶۸ که ذکر آن رفت می‌توان انواع جانوران حمایت شده را به قرار ذیل دانست: الف: پستانداران وحشی: پلنگ، گوزن زرد ایرانی، سیاه گوش، کاراکال، گربه جنگلی، خرس قهوه‌ای، مرال، شوکا، جبیر، آهو، انواع قوچ و میش وحشی، روباه شنی و فک. ب: پرنندگان وحشی: پلیکان سفید، فلامینگوها، درناها، قوها، حواصیل‌ها، لک‌لک‌ها، غواص‌ها، باکلان مارگردن، غاز پیشانی سفید (کوچک)، غازپازرد، اردک تاج‌دار، اردک مرمری، اردک چشم طلایی، اردک سرسیاه، اردک دم‌دراز، مرغوس‌ها، اسکوترها، خروس کولی دشتی، بوتیمار کوچک، زنگوله بال، کبک دری، دراج، جیرفتی، قرقاول، کاکایی دودی، کاکایی چشم سفید، یلوه حنایی، مینا، دارکوب سبز راه‌راه، کوکوی خالدار، پرستو، بلبل، سارصوتی، کلیه پرنندگان شکاری و گوشتخوار از قبیل سایر عقاب‌ها، بازها، قوها، قرقی‌ها، کرکس‌ها، بوف، و جغدها، کورکورها، سنقرها و سارگپه. ج: خزندگان وحشی: بزوجه، وارنوس‌ها، لاک‌پشت خاکری، لاک‌پشت مردابی، افعی شاخدار، افعی دماوندی، افعی تکایی، افعی زنجانی، کک مار، کورمار خوزستانی. د: آبزیان: ماهی آزاد، ماهی قزل‌آلا، اردک ماهی باربوس‌ها.

۲. با توجه به گزارش‌های کارشناسان محیط زیست تا کنون ۱۷۴ گونه ماهی، ۲۰ گونه دوزیست، ۲۰۶ گونه خزنده، ۵۱۴ گونه پرنده و ۱۹۴ گونه پستاندار در ایران شناسایی شده‌اند؛ اما شوربختانه از این میان، حدود ۱۲ گونه ماهی، ۲ گونه دو زیست، ۱۱ گونه خزنده و ۱۶ گونه پرنده در فهرست جانوران در معرض تهدید جدی و ۱۵ گونه از پستانداران در فهرست قرمز جانوران در معرض خطر انقراض قرار دارند (فرهنگ‌نامه حیات وحش ایران، ۱۳۹۰: ۲۱). با این وجود، متأسفانه در ایران، سازمان‌های متولی امر فهرست روشن و منظمی از جانوران در معرض خطر انقراض ارائه نمی‌دهند؛ به همین جهت شناسایی آن‌ها دشوار است. اما بر مبنای مصوبه شماره ۱۶۸ مورخ ۱۳۷۸/۶/۳ شورای عالی حفاظت محیط زیست گونه‌های در معرض خطر انقراض به قرار زیر است: الف: پستانداران وحشی: گونه‌های در معرض خطر انقراض عبارت‌اند از: یوزپلنگ، گورخر، خرس سیاه، گربه شنی، شاه روباه، روباه ترکمنی، انواع دلفین‌ها، انواع نهنگ‌ها و گاو دریایی. ب: پرنندگان وحشی: گونه‌های در معرض خطر انقراض عبارت‌اند از: پلیکان خاکستری، عروس غاز، قوی کوچک، درنای سبیری، باکلان کوچک، گیلان‌شاه خالدار، عقاب شاهی، عقاب طلایی، عقاب دریایی دم سفید، عقاب ماهی‌خوار، هما، شاهین، بحری، بالابان، لاجین، میش مرغ، هوبره، سیاه خروس، اردک سرسفید و اردک بلوطی. ج: خزندگان وحشی: گونه‌های در معرض خطر انقراض عبارت‌اند از: تمساح ایرانی (گاندو)، انواع لاک‌پشت دریایی. د: آبزیان: گونه‌های در معرض خطر انقراض عبارت‌اند از: ماهی کورغار (کورماهی) و آفینوس‌های آب‌های داخلی. اما امروزه به این فهرست باید پلنگ، گرگ، فک دریای خزر، مرال، گوزن زرد ایرانی، شوکا، قوچ و میش، درنا، جبیر، سمندر لرستانی، لاک‌پشت دریایی سبز، لاک‌پشت منقار عقابی، لاک‌پشت دریایی لاک چرمی، لاک‌پشت نرم فراتی، مارماهی دهان گرد دریای خزر، کوسه سرچکشی، اره ماهی، فیل ماهی، ماهی آزاد دریایی خزر و ماهی گورخری گنو را اضافه کرد. علاوه بر این فهرست قرمز اتحادیه بین‌المللی برای حفاظت از طبیعت (IUCN)، منبع معتبری است که اطلاعات جامعی در خصوص وضعیت گونه‌های مختلف در جهان در اختیار ما می‌گذارد و به طور منظم هر ساله توسط این سازمان غیر دولتی تهیه می‌شود (رمضانی قوام‌آبادی، ۱۳۸۸: ۷۸).

(بند الف) این قانون در حمایت از جانوران وحشی در معرض خطر انقراض از قبیل جبیر، گورخر، گوزن زرد ایرانی، یوزپلنگ، تمساح، هوبره و میش مرغ کیفر حبس از نود و یک روز تا سه سال یا جزای نقدی از یک میلیون هشتصد هزار ریال تا بیست میلیون ریال را مقرر کرده است. سرانجام مقنن در تبصره ۲ ماده ۱۳ نگاهی افتراقی به پرندگان شکاری از قبیل شاهین، بحری، بالابان و دلججه داشته و شکار آن‌ها را علاوه بر محکومیت به حداکثر مجازات حبس مقرر در این ماده (یعنی سه سال) مستوجب جزای نقدی نیز دانسته است. بنابراین شکار پرندگان عادی مشمول یکی از مواد ۱۰، ۱۱ و ۱۳ و شکار پرندگان شکاری مشمول تبصره ۲ ماده ۱۳ خواهد شد.

در قانون تعزیرات نیز رفتار مقرر در ماده ۶۷۹ بر پایه گونه جانوری جرم‌انگاری شده است که مطابق آن: «هر کس به عمد و بدون ضرورت حیوانات حلال گوشت متعلق به دیگری یا حیواناتی که شکار آن‌ها توسط دولت ممنوع اعلام شده است را بکشد یا مسموم یا تلف یا ناقص کند به حبس از نود و یک روز تا شش ماه یا جزای نقدی از یک میلیون و پانصد هزار ریال تا سه میلیون ریال محکوم خواهد شد».

در قانون منابع آبی نیز دسته‌ای از جرم‌انگاری بر مبنای گونه‌های مورد صید صورت گرفته است. بند ۲ و ۳ شق «ج» ماده ۲۲ این قانون به ترتیب «صید گونه‌هایی که صید آن‌ها ممنوع شده است» و «صید گونه‌هایی که برای آن‌ها اجازه لازم دریافت نشده است» را مشمول کیفر نقدی از یک میلیون ریال تا ده میلیون ریال دانسته است. همچنین شق «د» این ماده در حمایت از انواع ماهی‌های خاویاری و خاویار کیفر نقدی تا سه برابر ارزش محصول و حبس یک تا سه ماه را برای صید بدوم مجوز آن‌ها پیش‌بینی کرده است. پرسشی که در این خصوص پیش می‌آید آن است که منظور از گونه‌هایی که صید آن‌ها ممنوع اعلام شده است چیست. پاسخ این پرسش را ماده ۷۱ آیین‌نامه اجرایی این قانون مشخص کرده است که بر مبنای آن منظور پستانداران دریایی می‌باشد.

۲. جرم‌انگاری مکان محور

در جرم‌انگاری مکان محور، هدف مقنن حمایت از جانورانی بوده که در مکانی خاص قرار دارند. این نوع جرم‌انگاری در سه قانون شکار و صید، تعزیرات و منابع آبی صورت گرفته است که در مجموع هشت مورد می‌باشند. در قانون شکار و صید پنج نوع مکان مشخص شده که شکار در هر یک از آن‌ها دارای کیفری متفاوت می‌باشد که عبارت‌اند از: مناطق ممنوع^۱ (بند ب ماده ۱۱)، قرق‌های اختصاصی^۲ (بند

۱. با توجه به این که مطابق بند الف ماده ۳ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست مصوب ۱۳۵۳ شورای عالی حفاظت محیط زیست وظیفه تعیین مناطق چهارگانه پارک ملی، آثار طبیعی ملی، پناهگاه حیات وحش و منطقه حفاظت شده را دارد (مجنونیان، ۱۳۷۹: ۲؛ تقی‌زاده‌انصاری، ۱۳۷۴: ۴۹) و تعریف این مناطق مطابق تبصره این ماده به آیین‌نامه اجرایی این قانون واگذار شده است؛ این مهم در این آیین‌نامه صورت پذیرفته است. نکته قابل ذکر در این خصوص آن

ب ماده (۱۱)، مناطق حفاظت شده^۳ (بند ب ماده ۱۲)، پناهگاه‌های حیات وحش^۴ (بند ب ماده ۱۲) و پارک‌های ملی^۵ (بند ب ماده ۱۳).

در قانون تعزیرات نیز ماده ۶۸۰ با رویکردی مکان‌محور بیان می‌دارد: «هر کس برخلاف مقررات و بدون مجوز قانونی اقدام به شکار یا صید حیوانات و جانوران وحشی حفاظت شده نماید به حسب از سه ماه تا سه سال و یا جزای نقدی از یک و نیم میلیون ریال تا هجده میلیون ریال محکوم خواهد شد. با توجه به این که عبارت «حفاظت شده» در این ماده به صورت مبهم بیان شده است این پرسش را مطرح می‌سازد که منظور از آن چیست. در واقع آیا منظور چیزی غیر از اماکن موجود در قانون شکار و صید می‌باشد یا خیر. به همین جهت برخی معتقدند که عبارت «حفاظت شده» در این ماده صحیح به نظر نمی‌رسد و بهتر بود که از عبارت «حمایت شده» استفاده می‌شد (قاسمی، ۱۳۸۴: ۹۳). با وجود این چون برخی مقررات قانون شکار و صید پس از قانون تعزیرات به

است که آثار طبیعی ملی به طور خاص مدنظر قانون‌گذار نبوده و شکار در آن همانند سایر اماکن دیگر می‌باشد. با این وجود ماده ۳ آیین‌نامه آن را چنین تعریف می‌کند: «آثار طبیعی ملی عبارتند از پدیده‌های نمونه و نادر گیاهی، حیوانی، اشکال یا مناظر کم‌نظیر و کیفیات ویژه طبیعی زمین یا درختان کهنسال یادگار تاریخی می‌باشند که با منظور داشتن محدوده متناسبی تحت حفاظت قرار می‌گیرد».

۲. نه در قانون شکار و صید و آیین‌نامه اجرایی آن و نه در دیگر قوانین مرتبط با شکار و صید تعریفی از مناطق ممنوع به عمل نیامده است.

۳. ماده ۹ آیین‌نامه اجرایی قانون شکار و صید بیان می‌دارد: «قرق اختصاصی به محدوده‌ای از جنگل و مرتع و آب و آب‌بندان و کوهستان و زمین‌های بایر یا دایر اطلاق می‌شود که امتیاز شکار و صید در آن محدوده، با رعایت حقوق اشخاص و مقررات مربوط به حفظ و تکثیر و بهره‌برداری از حیوانات قابل شکار و صید پس از موافقت مقامات صلاحیت‌دار از وزارت منابع طبیعی از طرف سازمان حفاظت محیط زیست برای مدت معین به اشخاص حقوقی یا حقیقی واگذار می‌گردد».

۴. ماده ۵ آیین‌نامه: «منطقه حفاظت شده به محدوده‌ای از منابع طبیعی کشور اعم از جنگل و مرتع و دشت و آب و کوهستان اطلاق می‌شود که از لحاظ ضرورت حفظ و تکثیر نسل جانوران وحشی یا حفظ و یا احیاء رستنی‌ها و وضع طبیعی آن دارای اهمیت خاصی بوده و تحت حفاظت قرار می‌گیرد».

۵. ماده ۴ آیین‌نامه: «پناهگاه حیات وحش به محدوده‌ای از منابع طبیعی کشور اعم از جنگل و مرتع و بیشه‌های طبیعی و اراضی جنگلی و دشت و آب و کوهستان اطلاق می‌شود که دارای زیستگاه طبیعی نمونه و شرایط اقلیمی خاصی برای جانوران وحشی بوده و به‌منظور حفظ و یا احیاء این زیستگاه‌ها تحت حفاظت قرار می‌گیرد».

۶. ماده ۲ آیین‌نامه: «پارک ملی به محدوده‌ای از منابع طبیعی کشور اعم از جنگل و مرتع و بیشه‌های طبیعی و اراضی جنگلی و دشت و آب و کوهستان اطلاق می‌شود که نمایان‌گر نمونه‌های برجسته‌ای از مظاهر طبیعی ایران باشد و به منظور حفظ همیشگی وضع زندگی و طبیعی آن و همچنین ایجاد محیط مناسب برای تکثیر و پرورش جانوران وحشی و رشد رستنی‌ها در شرایط کاملاً طبیعی تحت حفاظت قرار می‌گیرد».

تصویب رسیده‌اند، در قسمت بعدی به چالش‌های هم‌نشینی ماده ۶۸۰ با مقررات قانون شکار و صید پرداخته خواهد شد.

قانون منابع آبی نیز از دو جهت به جرم‌انگاری مکان‌محور مبادرت ورزیده است. نخست «صید در مناطق ممنوعه» (بند ۱ شق ج ماده ۲۲) و دوم فعالیت شناورهای صیادی صنعتی در مناطق صید ساحلی (بند ۴ شق ج ماده ۲۲). در خصوص منطقه ممنوع باید بیان داشت که منظور آب‌های تحت حاکمیت ایران می‌باشد^۱. اما در خصوص جرم‌انگاری فعالیت شناورهای صیادی صنعتی در مناطق صید ساحلی باید بیان داشت که در صید صنعتی به کمک ابزار و آلات پیشرفته با بکارگیری شناورهای سنگین، میزان استحصال آبیان از دریا به مراتب افزایش می‌یابد (خالقی، ۱۳۹۰: ۵۵-۵۴)؛ از این رو مقنن برای حمایت از صیادان سنتی به جرم‌انگاری صید صیادان سنتی در مناطق صید ساحلی مبادرت ورزیده است. با توجه به ماده ۱۰ قانون، منظور از مناطق صید ساحلی «آب‌های ساحلی» می‌باشد. به همین منظور به موجب ماده ۵۴ آیین‌نامه اجرایی این قانون: «به منظور حمایت از صیادان صید ساحلی، شیلات موظف است در اجرای ماده (۱۰) قانون، محدوده فعالیت شناورهای صید صنعتی را از شناورهای صید سنتی در آب‌های موضوع ماده (۲) قانون تفکیک نماید».

۳. جرم‌انگاری زمان‌محور

جرم‌انگاری زمان‌محور در بند الف ماده ۱۱ قانون شکار و صید صورت پیش‌بینی شده که برای شکار در فصول و ساعات ممنوع مقرر کیفر جزای نقدی از یک میلیون و پانصد هزار ریال تا سه میلیون ریال یا حبس از ۹۱ روز تا ۶ ماه را در نظر گرفته است.

۱. مطابق ماده ۲ این قانون: «قلمرو اجرایی این قانون و مقررات اجرایی آن، بجز مواردی که در این قانون تصریح شده است، آب‌های تحت حاکمیت و صلاحیت جمهوری اسلامی ایران اعم از آب‌های داخلی، مرزی و دریایی می‌باشد». مطابق ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی این قانون: «قلمرو اجرایی این قانون و مقررات اجرایی آن عبارت است از: ۱- آب‌های تحت حاکمیت و صلاحیت جمهوری اسلامی ایران (آب‌های داخلی، دریای سرزمینی و منطقه انحصاری اقتصادی) در خلیج فارس و دریای عمان به ترتیب مقرر در قانون مناطق دریایی جمهوری اسلامی ایران و مقررات اجرایی آن ۲- آب‌های تحت حاکمیت و صلاحیت جمهوری اسلامی ایران در دریای خزر ۳- آب‌های داخلی و مرزی ایران از قبیل: آب‌های موجود در دریاچه‌های طبیعی و مصنوعی و پشت سدها، رودخانه‌ها، آبگیرهای طبیعی و مصنوعی، آبراه‌ها، تالاب‌ها، مرداب‌ها اعم از شور، شیرین یا آب‌های لب‌شور ساحلی و مصب رودخانه‌ها».

۴. جرم‌انگاری وسیله‌محور

این جرم‌انگاری بر وسیله شکار متمرکز بوده که بر مبنای آن شکار با وسایل و از طریق غیرمجاز و یا شکار با اسلحه دیگران (بند ج ماده ۱۱) یا کشتار جانوران وحشی با استفاده از سموم و مواد منفجره و امثال آن (بند ج ماده ۱۲) جرم محسوب می‌شود. همچنین بند ۵ شق «ج» ماده ۲۲ قانون منابع آبی «صید با آلات و ادوات و مواد غیرمجاز» را جرم‌انگاری کرده است.

۵. جرم‌انگاری طریق‌محور

محور این جرم‌انگاری بر طریقه شکار استوار است که بر مبنای آن شکار به صورت تعقیب با استفاده از وسیله نقلیه موتوری و همچنین کشتار آنان به طریق جرگه و محاصره دسته جمعی (بند ج ماده ۱۲ قانون شکار و صید) رفتاری مجرمانه است.

ب: چالش‌های سیاست کیفری تقنینی در جرم‌انگاری شکار و صید جانوران

سیاست کیفری تقنینی ایران در حوزه شکار و صید جانوران چالش‌هایی را به وجود آورده است که مهم‌ترین آن‌ها به قرار ذیل است.

۱. چالش در معیار جرم‌انگاری

نخستین و مهم‌ترین چالش، عدم استفاده مقنن از یک معیار واحد در جرم‌انگاری شکار و صید می‌باشد. توضیح آن‌که همان‌طور که بیان شد، در جرم‌انگاری، پنج معیار گونه، مکان، زمان، وسیله و طریق در نظر گرفته شده است که چنین امری سبب می‌شود هم‌زمان بر موضوعی واحد، چند مقررۀ متفاوت بار شود. برای مثال، چنان‌چه یوزپلنگی در منطقه حفاظت شده با اسلحه دیگری شکار شود: ماده ۱۱ (استفاده از اسلحه دیگری)، ماده ۱۲ (شکار در منطقه حفاظت شده) و ماده ۱۳ (شکار گونه در معرض خطر انقراض) قانون شکار و صید و مواد ۶۷۹ (حیواناتی که شکار آن‌ها توسط دولت ممنوع اعلام شده است) و ۶۸۰ (حیوانات حفاظت شده) قانون تعزیرات بر عمل شخص بار می‌شود. همین‌طور چنان‌چه کل یا بز به‌طور عادی شکار شود مشمول بند الف ماده ۱۰؛ چنان‌چه در ساعات یا فصول ممنوع یا منطقه ممنوع یا قرق اختصاصی شکار شود مشمول ماده ۱۱؛ چنان‌چه در مناطق حفاظت شده یا پناه‌گاه‌های حیات وحش شکار شود مشمول بند ب ماده ۱۲ و چنان‌چه در پارک ملی شکار شود مشمول بند ب ماده ۱۳ خواهد شد که هر یک از این مواد؛ کیفری متفاوت را پیش‌بینی کرده است. همین وضعیت در مورد سایر جانوران نیز قابل مشاهده است. در واقع پرسش آن است که چطور می‌توان شکار یک کبک که یک پرنده عادی است در

محیط آزاد (مانند محیط شهری یا خارج شهر) را مشمول ماده ۱۰ قانون شکار و صید که کیفر جزای نقدی از یکصد هزار ریال تا یک میلیون ریال یا حبس از یک ماه تا شش ماه را تعیین کرده است دانست؛ اما شکار همین پرنده در پارک‌های ملی مشمول ماده ۱۳ همین قانون شود که کیفر حبس از نود و یک روز تا سه سال یا جزای نقدی از یک میلیون هشتصد هزار ریال تا بیست میلیون ریال را پیش‌بینی کرده است. بدین‌سان هر چند که در واقع شکار کبک در پارک ملی به درستی (بر مبنای قانون) مشمول ماده ۱۳ خواهد شد؛ اما سخن از حمایت گونه‌محور است و نه زیستگاه‌محور. توضیح آن که هر چند با توجه به اسناد بین‌المللی چون کنوانسیون تالاب‌های مهم بین‌المللی و تالاب‌های زیستگاه پرندگان آبی (رامسر) مصوب ۱۹۷۱، کنوانسیون حمایت از میراث فرهنگی و طبیعی جهان مصوب ۱۹۷۲، اعلامیه جهانی حقوق حیوانات مصوب ۱۹۷۸، کنوانسیون حفاظت از گونه‌های مهاجر وحشی (بن) مصوب ۱۹۷۹ و کنوانسیون تنوع زیستی مصوب ۱۹۹۲ حمایت از زیستگاه جانوران به جهت آن که امروزه تخریب زیستگاه‌ها از جمله جرائم مربوط به تغییر در طبیعت است که می‌تواند بر زیست بوم جهان تاثیر گذاشته (گرجی‌فرد، ۱۳۹۵: ۱۲۰) امری حیاتی و الزامی است اما در واقع حمایت کیفری از جانوران بر مبنای رویکرد زیستگاه‌محور نباید عاملی مستقل برای جرم‌انگاری باشد؛ بلکه حقوق کیفری ایران باید جرم‌انگاری خود را بر محور «گونه بزه‌دیده» قرار داده و شکار در مناطق حفاظت جانوران به‌عنوان یک عامل تشدید کننده کیفر در نظر گیرد. در نظر نگرفتن سیاستی واحد سبب می‌شود که در بیان سیاست جنایی، بی‌نظمی، نابسامانی و پراکندگی مفرط مشاهده شود (لازرژ، ۱۳۹۶: ۱۲۱).

۲. چالش در تعیین بزه‌دیده شکار

باتوجه به ویژگی جانوران، گونه، نوع و میزان آن‌ها روز به روز در حال تغییر، افزایش و کاهش می‌باشد. به همین جهت لازم است که مقنن در راستای این تحول همسو با پژوهش‌های محیط زیستی قوانین خود را اصلاح کند. این در حالی است که با نگاهی به نظام حقوقی ایران چه در سطح تقنینی و چه در سطح فروتقنینی آشفتگی فراوانی به چشم می‌خورد. آشفتگی مزبور آن‌جا می‌باشد که در حال حاضر برای شناخت جانوران (به خصوص جانوران در معرض انقراض) چندین مقرر قانونی وجود دارند که از جهاتی با هم در تعارض می‌باشند.

در سطح تقنینی علاوه بر قانون شکار و صید، باتوجه به الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون‌های تجارت بین‌المللی گونه‌های جانوری و گیاهی وحشی در معرض خطر انقراض و نابودی (سایتس) مصوب ۱۹۷۳^۱ و حفاظت از گونه‌های مهاجر وحشی (بن) مصوب ۱۹۷۹^۱ سه

۱. قانون الحاق دولت ایران مصوب ۱۳۵۵/۴/۱۵ می‌باشد.

قانون وجود دارند که هر یک فهرستی از گونه‌های جانوری ارائه داده‌اند. در سطح فروتقنینی نیز همین امر توسط مصوبه شماره ۱۶۸ در خصوص تعیین گونه‌های جانوران وحشی مشمول قانون شکار و صید و طبقه‌بندی آن‌ها و دستورالعمل در مورد نحوه صدور مجوز پروانه‌های ورود و خروج حیوانات وحشی صورت گرفته است. با تطبیق فهرست این مقررات، نمایان می‌شود که سیاست واحدی در خصوص جانوران اتخاذ نشده است. می‌توان به‌عنوان نمونه وضعیت گوزن زرد ایران را بررسی کرد. بر اساس بند الف ماده ۱۳ قانون شکار و صید (اصلاحی ۱۳۷۵) گوزن زرد ایرانی به صراحت از جمله گونه‌های در معرض خطر انقراض شناخته شده است. اما در مصوبه شماره ۱۶۸ مورخ ۱۳۷۸ گوزن زرد ایرانی در زمره جانوران حمایت شده دانسته است که مشمول بند الف ماده ۱۲ می‌شود. این در حالی است که دستورالعمل در مورد نحوه صدور پروانه‌های ورود و خروج پروانه‌های وحشی دو پیوست دارد که پیوست نخست در مورد تعیین جانوران مشمول قانون شکار و صید و پیوست دوم در خصوص جانوران ایرانی مشمول فهرست جانوران در معرض خطر (ضمیمه یک) کنوانسیون سائیس می‌باشد. با نگاهی به این دو پیوست نمایان می‌شود که از یک‌سو در پیوست نخست، گوزن زرد ایرانی به‌عنوان گونه حمایت شده دانسته شده است در حالی که در پیوست دو، این جانور به‌عنوان در معرض خطر انقراض شناخته شده است. چنین آشفتگی در خصوص جانوران دیگری چون پلنگ، یوزپلنگ، جیبر و میش مرغ نیز وجود دارد.

حال پرسش آن است که تکلیف دادرسی برای صدور حکم در چنین مواردی چه می‌باشد. در واقع از یک‌سو ممکن است گفته شود که چون بر اساس مبانی حقوقی، مقررات فروتقنینی نمی‌توانند بر خلاف مقررات تقنینی باشند، دادرسی موظف است که فقط متن قانونی را در نظر گیرد. اما از سوی دیگر به‌نظر می‌رسد که در خصوص حمایت کیفری از جانوران باید در این نظر تأمل کرد. زیرا همان‌طور که گفته شد ویژگی جانوران، تحول آنان است. از این رو ممکن است گونه جانوری چون یوزپلنگ که بر مبنای قانون شکار و صید در حال انقراض است، تحت تدابیر حفاظتی قرار گیرد که علاوه بر حفظ نسل خود، چنان توالد نسل یابد که دیگر تبدیل به گونه جانوری عادی چون کبک شود. همچنین حالت وارونه این روایت نیز ممکن است پیش آید؛ مانند آن که گونه‌های جانوری چون کل و بز که در حال حاضر جمعیت مناسبی در ایران دارند و در زمره جانوران عادی می‌باشند، به جهات مختلف نسلشان در معرض انقراض قرار گیرد. از این رو راه‌کار مناسب آن است که قانون‌گذار همسو با پژوهش‌های زیست محیطی جهانی - داخلی توسط کارشناسان خبره، هر ساله فهرستی از وضعیت جانوران موجود در ایران را در قالب مقررات فروتقنینی تصویب نماید که سبب یکپارچگی سیاست کیفری ایران در حمایت از جانوران شود.

۳. چالش در حمایت کیفری از جانوران اهلی

این چالش در خصوص بخش نخست ماده ۶۷۹ قانون تعزیرات است که مقرر می‌دارد: «هر کس به عمد و بدون ضرورت حیوان حلال گوشت متعلق به دیگری... را بکشد، یا مسموم یا تلف یا ناقص کند به حبس از نود و یک روز تا شش ماه یا جزای نقدی از یک میلیون و پانصد هزار ریال تا سه میلیون ریال محکوم خواهد شد». در این مورد می‌توان یک ایراد و یک پرسش را مطرح کرد. ایراد مزبور در خصوص حلال گوشت بودن جانوران مورد حمایت مقنن است؛ زیرا چطور می‌توان کسی را که جوجه متعلق به دیگری را می‌کشد مجرم دانست، ولی کسی را که سگ نگهبان گران قیمت متعلق به دیگری را از بین می‌برد مجرم محسوب نکرد (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۲: ۲۲۱). بدین‌سان، حلال گوشت بودن جانوران موضوع این مقرر، سبب خروج جانوران حرام گوشت و حتی آن‌هایی که گوشتشان مکروه است می‌شود.

اما پرسشی که در پس این مقرر پیش می‌آید آن است که منظور از «حیوانات حلال گوشت متعلق به دیگری»، حیوانات حلال گوشت اهلی می‌باشد یا هر حیوان حلال گوشت متعلق به دیگری، اعم از اهلی یا وحشی. برای پاسخ به این پرسش باید میان جانوران آبزی و خشکی‌زی تفکیک قائل شد. جانوران آبزی را باید مشمول ماده ۶۷۹ دانست، زیرا قانون منابع آبزی از آبزیانی سخن به میان آورده است که ثروت عمومی کشور محسوب می‌شوند. از این رو چنان‌چه شخصی با مجوزهای لازم مبادرت به آبزی پروری نماید (مانند پرورش ماهی قزل‌آلا) ماده ۶۷۹ از آبزیان وی در برابر رفتارهای مقرر در ماده حمایت کیفری به‌عمل می‌آورد.

اما در مورد جانوران خشکی‌زی نخست باید دید که منظور از جانوران وحشی و اهلی چیست. دستورالعمل در مورد نحوه صدور مجوز پروانه‌های ورود و خروج حیوانات وحشی به تعریف حیوانات وحشی و اهلی پرداخته است. مطابق بند ۱-۱ این دستورالعمل: «منظور از حیوانات وحشی کلیه گونه‌های جانوران وحشی موجود در طبیعت می‌باشند اعم از این که در ایران یافت شوند و یا محل زیست آن‌ها سایر کشورهای جهان باشد. حیوانات وحشی که اصالتاً در طبیعت زیست می‌نمایند ولی از طریق تکثیر و پرورش حاصل و یا در حالت اسارت و باغ‌وحش‌ها و مؤسسات علمی زاد و ولد یافته و نگهداری می‌شوند نیز مشمول تعریف حیوانات وحشی هستند». همچنین بند ۱-۲ مقرر می‌دارد: «حیوانات اهلی و خانگی به جانورانی اطلاق می‌شود که گونه‌های آن‌ها کلاً و به مرور ایام دست‌آموز بشر گردیده و عرفاً و عادتاً در محیط زیست انسانی ساکن و یا دائماً نزد بشر زیست می‌نمایند مانند سگ و گربه، مرغ و خروس، گاو و گوسفند اهلی و امثال آن‌ها. جانورانی که گونه‌ها و جمعیت‌هایی از آن‌ها هنوز به صورت وحشی در طبیعت زندگی کرده ولی توسط اشخاص دستگیر و در اسارت و قفس زاد و ولد و تکثیر و پرورش یافته هر چند هم دست‌آموز شده باشند حیوان

خانگی تلقی نمی‌شوند مانند طوطی، میمون، کبک و مانند آن‌ها». بدین سان نمایان می‌گردد که هر چند جانور وحشی در دست انسان باشد و از این طریق متعلق به وی گردد، همچنان وحشی خواهد بود و ویژگی وحشی بودن آن تغییر نخواهد کرد. از این رو به نظر می‌رسد که قسمت نخست ماده ۶۷۹ ناظر به جانوران حلال گوشت اهلی باشد و نه تمامی جانوران حلال گوشت متعلق به دیگری.

۴. چالش در تعارض قوانین حمایتی

این چالش در خصوص وضعیت مابین بخش دوم ماده ۶۷۹ و ماده ۶۸۰ با مقررات قانون شکار و صید و قانون منابع آبی است. توضیح آن که با تطبیق بخش دوم ماده ۶۷۹ و ماده ۶۸۰ با مقررات دو قانون پیش‌گفته نمایان می‌شود که بین این مواد تعارض وجود دارد که این پرسش را به وجود می‌آورد که کدام مقرر قانونی دارای اعتبار است. قسمت دوم ماده ۶۷۹ بیان می‌دارد: «هر کس... حیواناتی که شکار آن‌ها توسط دولت ممنوع اعلام شده است را بکشد، یا مسموم یا تلف یا ناقص کند به حبس از نود و یک روز تا شش ماه یا جزای نقدی از یک میلیون و پانصد هزار ریال تا سه میلیون ریال محکوم خواهد شد». هم‌چنین ماده ۶۸۰ مقرر می‌دارد: «هر کس برخلاف مقررات و بدون مجوز قانونی اقدام به شکار یا صید حیوانات و جانوران وحشی حفاظت شده نماید به حبس از سه ماه تا سه سال و یا جزای نقدی از یک و نیم میلیون ریال تا هجده میلیون ریال محکوم خواهد شد.

در خصوص این مواد سه نکته قابل ذکر است. نخست آن که منظور از حیواناتی که شکارشان توسط دولت ممنوع اعلام شده است و حیوانات حفاظت شده چیست. در خصوص مورد نخست باید بیان داشت که مشخص نیست منظور قانون‌گذار جانورانی است که به وسیله «قانون» مورد حمایت کیفی قرار گرفته‌اند یا جانوران دیگری می‌باشد. با توجه به نبود فهرستی مشخص در راستای تفسیر دوم، به نظر می‌رسد تفسیر نخست صحیح باشد. در مورد دوم یعنی جانوران حفاظت شده نیز باید بیان داشت که مفهومی عام است و به صورت واضح بیان نشده است. حال با نگاهی به قانون شکار و صید نمایان می‌شود که اصلاحات این قانون در تاریخ ۱۳۷۵/۹/۲۵ صورت گرفته است اما تاریخ تصویب قانون تعزیرات ۱۳۷۵/۳/۲ می‌باشد؛ بنابراین مقررات قانون شکار و صید موجب نسخ قسمت دوم ماده ۶۷۹ و ماده ۶۸۰ می‌باشند. دلیل این امر آن است که از یک سو اگر قسمت دوم ماده ۶۷۹ اجرا گردد تمامی جانوران اعم از عادی، حمایت شده و در معرض انقراض مشمول حکم واحد می‌گردند و چون قانون شکار و صید حکم هر حیوان را با توجه به وضعیت جمعیتی آن بیان کرده، اعتبار داشتن ماده ۶۷۹ بیهوده می‌باشد؛ و از سوی دیگر ماده ۶۸۰ نیز به‌طور کلی از جانور حفاظت شده سخن گفته، این در حالی است که در قانون شکار و صید به صورت مجزا پنج

منطقه بیان شده‌اند که به‌طور عام تحت لوای واژه حفاظت شده قرار می‌گیرند. به همین جهت مقررات قسمت دوم ماده ۶۷۹ و ماده ۶۸۰ را باید نسخ شده دانست.

نکته دوم در خصوص نسخ قسمت دوم ماده ۶۷۹ آن است که این مطلب فقط در خصوص شکار جانوران وحشی صحیح می‌باشد نه تمامی رفتارهای مقرر در این ماده. توضیح آن که در این ماده چهار رفتار جرم‌انگاری شده‌اند که عبارت‌اند از: کشتن، مسموم کردن، تلف و ناقص کردن. با تطبیق این رفتارها با تعریف شکار در ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی قانون شکار و صید که بیان می‌دارد: «شکار عبارت است از تیراندازی به پستانداران، پرندگان و خزندگان وحشی یا کشتن یا گرفتن یا تعقیب کردن آن‌ها» نمایان می‌شود که فقط در رفتار «کشتن» همسانی وجود دارد. به همین جهت برای حمایت مناسب و سنجیده از جانوران وحشی باید کشتن آن‌ها را مشمول مقررات قانون شکار و صید و سایر رفتارها در حق آنان را مشمول ماده ۶۷۹ دانست تا مقداری از کاستی‌های سیاست کیفری ایران در حمایت همه جانبه از جانوران وحشی کاسته شود؛ زیرا در وضعیت فعلی نظام حقوقی ایران حیوان آزاری به صورت خاص جرم‌انگاری نشده است.

سومین نکته آن است که زمانی که صید آبریان به صورت خاص مشمول قانون حفاظت و بهره‌برداری از منابع آبری مصوب ۱۳۷۴ می‌باشند چه دلیلی دارد مقنن دگر بار در قانونی عام (ماده ۶۸۰) به حمایت از آنان بپردازد. به همین جهت قانون تعزیرات که مصوب ۱۳۷۵ می‌باشد ناسخ قانون منابع آبری مصوب ۱۳۷۴ نمی‌باشد؛ زیرا مطابق مباحث اصولی و رأی وحدت رویه شماره ۲۱۲ مورخ ۱۳۵۰ دیوان عالی کشور، خاص مقدم، عام موخر را تخصیص می‌زند و عام موخر نمی‌تواند خاص مقدم را نسخ کند (محمدی، ۱۳۸۷: ۱۱۷-۱۱۶).

۵. چالش در حمایت کیفری از جانوران مهاجر

این چالش در خصوص جانوران مهاجر می‌باشد که وضعیت خاص آن‌ها باعث می‌شود متعلق به کشور خاصی نبوده و در طول سال در اثر مهاجرت از کشورهای مختلفی بگذرند که این امر سبب تعارض حاکمیت دولت‌های مختلف با یکدیگر می‌شود (بیگزاده و کمالی، ۱۳۹۰: ۲۵۰). بنابراین حفاظت از آن‌ها مستلزم همکاری کشورهای مبداء، محل عبور و مقصد می‌باشد. به همین دلیل کنوانسیون حفاظت از گونه‌های مهاجر وحشی در سال ۱۹۷۹ در شهر بُن آلمان به تصویب رسید که سعی در انسجام و وحدت کشورها در حفاظت از این گونه‌ها در مسیر مهاجرت^۱ دارد. بند الف

۱. شق «و» بند ۱ ماده ۱ این کنوانسیون در تعریف مسیر مهاجرت ذکر می‌کند: «به تمام مناطق خشکی و آبی اطلاق می‌شود که یک گونه مهاجر در آن سکنی گزیده، موقتاً توقف کرده یا از فراز آن‌ها در هر زمانی از مسیر عادی مهاجرتش عبور می‌کند».

شق یک ماده یک این کنوانسیون در تعریف گونه مهاجر بیان می‌دارد: «گونه مهاجر به تمام یا هر بخش جغرافیایی جداگانه از جمعیت هر گونه یا زیرگونه جانوران وحشی، بخش قابل توجهی از جمعیت گونه‌هایی که به صورت دوره‌ای و قابل پیش‌بینی از فراز محدوده قلمرو ملی یک یا چند کشور عبور می‌کنند، اطلاق می‌شود». حال پرسش آن است که وضعیت سیاست کیفری تقنینی ایران در حمایت از این گونه‌ها چیست؟

در پاسخ می‌توان دو نظر را ارائه کرد. نخست آن که چون از یک سو در ایران قانونی در خصوص گونه‌های مهاجر وجود ندارد که شکار آن‌ها را جرم‌انگاری کرده باشد و از سوی دیگر بند ۱-۳ دستورالعمل در مورد نحوه صدور مجوز پروانه‌های ورود و خروج حیوانات وحشی، مشخصاً منظور از جانوران وحشی را جانورانی دانسته که در ایران حضور دارند، باید بیان داشت که چنانچه گونه‌های دیگری مثل شیر یا زرافه به ایران آیند و شکار شوند جرمی تحقق نیافته است. اما نظر دوم که با مبانی حقوقی و حمایت از جانوران سازگارتر می‌باشد آن است که دولت جمهوری اسلامی ایران به این کنوانسیون ملحق شده است^۱ اما هر چند در راستای اجرایی کردن مقررات کنوانسیون در کشور ایران قانونی به تصویب نرسیده است؛ ولی چون مطابق کنوانسیون بُن، شکار و صید گونه‌های مهاجر ممنوع است، راه‌حل آن است که از ره‌گذر قوانین فعلی به حمایت کیفری از آنان پرداخته شود.

بدین‌سان نخست باید دید که گونه جانوری مهاجر در کدام یک از دسته‌های عادی، حمایت شده یا در معرض انقراض جای می‌گیرند. توضیح آن که شناخت جانوران مهاجر در معرض خطر انقراض تا حدی آسان است زیرا کنوانسیون مزبور دارای دو پیوست می‌باشد که پیوست نخست به جانوران در معرض خطر^۲ و پیوست دوم به گونه‌هایی که وضعیت حفاظتی نامطلوبی^۳ دارند

۱. قانون الحاق دولت ایران مصوب ۱۳۸۶/۳/۲۰ می‌باشد.

۲. شق «ه» بند ۱ ماده یک در خصوص گونه جانوری در معرض خطر بیان می‌دارد: «در رابطه با یک گونه مهاجر خاص بدین معنی است که آن گونه مهاجر در سراسر یا بخش قابل توجهی از مسیر خود در خطر انقراض قرار دارد».

۳. شق «د» از بند ۱ ماده یک مقرر می‌دارد: «وضعیت حفاظتی زمانی نامطلوب است که هر کدام از شرایط ذکر شده در شق ج این بند تأمین نشود». مطابق شق «ج» از قسمت ۱ ماده یک، وضعیت مطلوب زمانی است که چهار مشخصه وجود داشته باشد: ۱- اطلاعات مربوط به پویایی جمعیت گونه‌های مهاجر نشان دهد که آن‌ها خودشان را در دراز مدت به عنوان جزیی قابل دوام از زیست بوم (اکوسیستم) حفظ می‌کنند ۲- در دراز مدت مسیر مهاجرت گونه‌های مهاجر نه در حال کاهش یافتن باشد و نه احتمال کاهش پیدا کردن داشته باشد ۳- زیستگاه کافی برای نگهداری جمعیت گونه‌های مهاجر در حال حاضر وجود داشته باشد و در آینده قابل پیش‌بینی و در دراز مدت وجود خواهد داشت ۴- تا اندازه‌ای که به صورت بالقوه زیست بوم‌های (اکوسیستم‌های) مناسب وجود دارد و تا اندازه‌ای که مطابق با مدیریت خردمندانه حیات وحش باشد، توزیع و فراوانی گونه‌های مهاجر به پوشش و سطح تاریخی خود نزدیک شود.

اختصاص داده شده است. بنابراین چنانچه گونه مورد نظر در فهرست نخست جای بگیرد مانند گورخر، مرغ طوفان، گوریل و شتر مشمول بند الف ماده ۱۳ قانون شکار و صید خواهند شد. چنانچه گونه‌ها در مناطق ممنوع، قرق‌های اختصاصی، پناه‌گاه‌های حیات وحش، مناطق حفاظت شده و یا پارک‌های ملی شکار شوند به ترتیب مشمول مواد ۱۱، ۱۲ و ۱۳ قانون شکار و صید می‌شوند. چنانچه گونه جانوری مهاجر توسط نهادهای متولی امر به منظور تکثیر مورد حفاظت قرار گیرند و در زمره جانوران حمایت شده قرار بگیرند مشمول ماده ۱۲ و در صورتی که هیچ کدام از این موارد وجود نداشته باشد باید آن‌ها را مشمول ماده ۱۰ و در زمره جانوران عادی دانست. اما در خصوص گونه‌های جانور آبی چنین مشکلی وجود ندارد زیرا صید آن‌ها مشمول ماده ۲۲ قانون منابع آبی خواهد شد که به طور مطلق صید آبیان را در آب‌های تحت حاکمیت ایران جرم‌انگاری کرده است.

۶. چالش در عدم تعیین وسایل ارتکاب شکار و صید

باتوجه به بند ج ماده ۱۱ قانون شکار و صید که «شکار... با وسایل و از طرق غیرمجاز...» و بند ۵ شق ج ماده ۲۲ قانون منابع آبی که «صید با آلات و ادوات و مواد غیرمجاز...» را جرم‌انگاری کرده است؛ لازم می‌باشد که مقررات فروتقنینی به وضوح وسایل مزبور را مشخص نمایند^۱. بدین‌سان می‌توان گفت که باتوجه به تمثیلی بودن ماده ۱۲ قانون اخیرالذکر که بیان می‌دارد: «حمل و استفاده از ابزار و ادوات صیادی غیرمجاز و همچنین موادی از قبیل مواد منفجره، سمی و یا برقی که باعث ضعف، بیماری و یا مرگ آبیان شود ممنوع می‌باشد» کاربرد شیوه‌های مشابه نیز ممنوع خواهد بود، مانند استفاده از امواج صوتی یا پرتوهای نوری (خالقی، ۱۳۹۰: ۴۶).

۷. چالش در تعیین گستره زمانی مناطق شکار ممنوع

سرانجام آخرین چالش در خصوص مناطق شکار ممنوع است که مطابق بند ب ماده ۱۱ قانون شکار و صید، شکار در آن جرم‌انگاری شده است. این در حالی است که با تطبیق بین منطقه شکار ممنوع با مناطق سه گانه دیگر (مناطق حفاظت شده، پناه‌گاه حیات وحش و پارک ملی) تفاوتی میان آن‌ها نمایان می‌شود و آن گستره زمانی منطقه شکار ممنوع است که در دیگر مناطق وجود ندارد. توضیح آن که مناطق سه گانه پیش‌گفته به صورت دائمی تعیین می‌شوند - هر چند که ممکن است ماهیت

۱. ماده ۴۶ آیین‌نامه اجرایی این قانون وظیفه تعیین ابزار و ادوات صیادی ممنوع را بر عهده سازمان شیلات قرار داده است.

آن‌ها تغییر داده شود و برای مثال منطقه حفاظت شده تبدیل به پارک ملی شود - اما منطقه شکار ممنوع از این ویژگی برخوردار نیست و تعیین مناطق شکار ممنوع مطابق بند ۳ ماده ۳ قانون شکار و صید از وظایف و اختیارات شورای عالی محیط زیست است که گاه منطقه‌ای را به‌عنوان شکار ممنوع اعلام می‌کنند. این امر می‌طلبد که باتوجه به جرم‌انگاری شکار در این مناطق، شورای عالی محیط زیست باتوجه به ممنوعیت زمانی شکار در این مناطق، فهرست آن‌ها را در اختیار عموم و مراجع قضایی قرار دهد. با وجود این با نگاهی به آخرین مصوبه شورای عالی محیط زیست در تعیین مناطق شکار ممنوع نمایان می‌گردد که به طور معمول مدت ممنوعیت آن‌ها پنج سال بوده که در اواسط دهه ۱۳۸۰ به پایان رسیده است. بنابراین باید گفت که در حال حاضر فهرستی معتبر از مناطق شکار ممنوع وجود ندارد که این امر سبب بروز چالش‌های فراوانی می‌شود.

دوم: سیاست کیفری قضایی و آشفتگی در تعیین کیفر

در این بخش هدف آن است تا گوشه‌ای از آشفتگی سیاست کیفری قضایی در تعیین کیفر برای شکارچیان و صیادان به تصویر کشیده شود. به همین جهت با توجه وضعیت واقعی گونه جانوری وحشی (عادی و در معرض خطر انقراض) و اهلی در آرای قضایی - و نه آن‌چه که در آراء آمده است - آرای قضایی مورد تحلیل در سه بخش تعیین کیفر شکار و صید جانور وحشی عادی (الف)، جانور وحشی در معرض خطر انقراض (ب) و جانور اهلی (ج) بیان می‌گردند.

الف: سیاست کیفری قضایی حمایت‌مدار از گونه‌های جانوری عادی

آرای قضایی در مورد شکار روباه، تیهو و مرغابی، کبک، گراز، کل و بز، قمری، سهره و صید ماهی در این قسمت مورد تحلیل قرار خواهند گرفت.

۱. شکار روباه

در پی شکایت اداره محیط زیست شهرستان سروآباد از شخصی به اتهام «شکار یا صید بدون مجوز حیوانات و جانوران وحشی حفاظت شده (یک قلاده روباه)» در یکی از آرای قضایی آمده است: «در پرونده حاضر آقای... متهم است به شکار یک قلاده روباه، نظر به گزارش مأمورین محیط زیست سروآباد، کیفرخواست تقدیمی و نیز مشاهده فیلم صید که به موجب آن متهم بعد از شلیک تیر به بدن روباه سر حیوان را قطع می‌نماید و با مراجعه به اقرار ایشان به ارتکاب بزه، بزهکاری

نامبرده را محرز دانسته به استناد بند الف از ماده ۱۰ قانون شکار و صید نامبرده را به تحمل ۹۱ روز حبس تعزیری محکوم و اعلام می‌دارد...»^۱.

با دقت در متن رأی ذکر شده گذشته از به کار بردن واژه صید که برای جانوران خشکی‌زی نادرست است دو ایراد اساسی به چشم می‌خورد. نخستین ایراد آن است که نوع روباه شکار شده مشخص نشده است. این امر از آن جهت حائز اهمیت است که نوع آن در تعیین مستند قانونی مربوطه نقشی مهم دارد. توضیح آن که در ایران چهار نوع روباه زندگی می‌کنند که عبارت‌اند از: روباه معمولی، روباه ترکمنی، روباه شنی و شاه روباه. بر اساس مصوبه شماره ۱۶۸، روباه معمولی گونه جانوری عادی (بند الف ماده ۱۰)، روباه شنی گونه جانوری حمایت شده (بند الف ماده ۱۲) و شاه روباه و روباه ترکمنی گونه جانوری در معرض خطر انقراض (بند الف ماده ۱۳) می‌باشند. اگر از این ایراد بگذریم و معتقد باشیم که روباه شکار شده از نوع معمولی بوده است که گونه جانوری عادی محسوب می‌شود، دومین ایرادی که پیش می‌آید و باعث می‌شود که مستند قانونی مورد ذکر (بند الف ماده ۱۰) اشتباه تشخیص داده شده، آن است که اتهام ذکر شده در رأی عبارت است از: «شکار یا صید بدون مجوز حیوانات و جانوران وحشی حفاظت شده (یک قلاده روباه)». یعنی از اساس روباه شکار شده جانوری مورد حفاظت بوده که در یکی از مواد ۱۱ (منطقه ممنوع و قرق اختصاصی)، ۱۲ (منطقه حفاظت شده و پناه‌گاه حیات وحش) یا ۱۳ (پارک ملی) قانون شکار و صید می‌گنجد نه در ماده ۱۰؛ این در حالی است که نه مفهوم حفاظت شده در متن رأی مشخص شده است که آیا منظور «منطقه حفاظت شده» است که در این صورت مشمول بند ب ماده ۱۲ می‌شد یا منظور حفاظت شده به طور عام بوده که ممکن بود در هر یک از دیگر مواد بگنجد و نه مکان شکار به طور دقیق بیان شده است.

۲. شکار گراز، تیهو و مرغابی

«در خصوص اتهام آقای... دائر بر شکار غیرمجاز دو قلاده گراز و سه قطعه تیهو و دو قطعه مرغابی دادگاه با عنایت به... بزهکاری وی را محرز دانسته و مستنداً به بند ج ماده ۳ و بند ب ماده ۱۲ قانون شکار و صید و مصوبه شورای عالی محیط زیست مصوب ۱۳۹۳ حکم به محکومیت نامبرده به پرداخت هجده میلیون ریال جزای نقدی در حق صندوق دولت جمهوری اسلامی ایران و پرداخت بیست میلیون ریال بابت خسارت وارده بر محیط زیست در حق مرکز درآمد شکار و صید استان خوزستان صادر می‌نماید»^۲.

۱. دادنامه شعبه اول دادگاه عمومی سروآباد.

۲. دادنامه شعبه ۱۰۱ دادگاه کیفری دو بهبهان.

در این رأی دو ایراد مهم وجود دارد. نخست آن که مستند قانونی این رأی بند الف ماده ۱۲ قانون شکار و صید یعنی جانوران حمایت شده می باشد این در حالی است که بر اساس مصوبه شماره ۱۶۸، هر سه جانور شکار شده، یعنی گراز، کبک و تیهو در دسته جانوران عادی جای می گیرند. بنابراین مستند قانونی رفتار مزبور بند الف ماده ۱۰ قانون شکار و صید است نه بند الف ماده ۱۲ این قانون؛ بنابراین مرتکب به کیفری غیر از آن چه که مستحق آن بوده محکوم شده است. به فرض صحت رأی، دومین ایراد آن است که شخص مرتکب شکار هفت جانور شده است (سه قطعه تیهو، دو قطعه کبک و دو قلاده گراز)؛ یعنی وی هفت جرم را انجام داده که این امر باید در پرتو مقررات تعدد واقعی بزه بر اساس ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ تحلیل شود و از این رو باید وی به بیش از حداکثر مجازات مقرر قانونی مشروط بر این که از حداکثر به اضافه نصف آن تجاوز نکنند محکوم می شد نه حداکثر قانونی. زیرا مرجع قضایی مطابق ماده ۱۲ قانون شکار و صید شخص را به هجده میلیون ریال که همانا حداکثر کیفر نقدی مقرر در ماده می باشد محکوم کرده است.

۳. شکار کبک

«در خصوص اتهام آقای... دایر بر شکار غیرمجاز تعداد چهار قطعه کبک، با توجه به گزارش و اعلام شکایت منطقه حفاظت شده سفیدکوه خرم آباد و اعلام شکایت اداره کل حفاظت محیط زیست استان لرستان، کشف چهار قطعه کبک شکار شده از ید متهم و... بزهکاری مشارالیه محرز است و به استناد بند الف از ماده ۱۰ قانون شکار و صید (اصلاحی ۱۳۷۵) متهم مذکور را به پرداخت مبلغ یک میلیون ریال جزای نقدی در حق صندوق دولت محکوم می نماید»^۱.

ایرادات وارد بر این رأی را همانند مورد پیشین می توان در دو امر نظاره گر بود. نخست آن که این رأی هر چند بر خلاف رأی پیشین، کبک شکار شده را به درستی مشمول بند الف ماده ۱۰ دانسته اما از این جهت دارای ایراد است که شکار مزبور در منطقه حفاظت شده سفید کوه خرم آباد صورت گرفته است؛ بنابراین مشمول بند ب ماده ۱۲ خواهد شد نه بند الف ماده ۱۰. دوم آن که همانند مورد پیشین، دادرسی به مسأله تعداد کبک شکار شده توجهی نداشته است؛ زیرا چهار قطعه کبک شکار شده است که نمایان گر ارتکاب چهار جرم است و از این رو چون کیفر مقرر در ماده ۱۰ از درجه هفت محسوب می شود، باید در پرتو تبصره ۴ ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ که مقرر می دارد: «مقررات تعدد جرم در مورد جرائم تعزیری درجه های هفت و هشت اجراء نمی شود. این مجازات ها با هم و نیز با مجازات های تعزیری درجه یک تا شش جمع می گردد» با هم جمع می شدند.

۱. دادنامه مورخ ۱۳۹۵/۴/۸ شعبه ۱۰۲ دادگاه کیفری دو خرم آباد.

۴. شکار گراز

در خصوص گراز می‌توان دو رأی را مورد تحلیل قرار داد:

الف: «در خصوص اتهام آقای... دایر بر شکار یک رأس گراز وحشی با اسلحه دیگری و... دادگاه نظر به... بزه انتسابی را محرز تشخیص و به استناد بند ج ماده ۱۱ قانون شکار و صید مصوب ۱۳۴۶ با اصلاحات بعدی و مواد ۱-۲-۱۸ و ۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ متهم موصوف را بابت شکار غیرمجاز گراز با اسلحه دیگری به مجازات تعزیری درجه هفت به تحمل پنج ماه حبس محکوم می‌نماید»^۱.

ب: «در خصوص اتهام آقای... دایر بر شکار یک رأس گراز وحشی بدون پروانه شکار با عنایت به... بزهکاری متهم محرز است لذا مستند به ماده ۱۰ قانون شکار و صید حکم به محکومیت نامبرده به پرداخت مبلغ یک میلیون ریال جزای نقدی درجه هشت صادر می‌گردد»^۲.

در این خصوص نمایان می‌گردد که موضوع بزه واحد است (یک رأس گراز) اما به جهت آشفتگی سیاست کیفری تقنینی، دو ماده متفاوت (مواد ۱۰ و ۱۱) به‌عنوان مستند قانونی حکم مورد توجه قرار گرفته‌اند. به دیگر سخن، در رأی نخست شکار گراز به جهت آن که با اسلحه دیگری صورت گرفته است مشمول ماده ۱۱ (بند ج) که کیفر ۹۱ روز تا ۶ ماه حبس یا جزای نقدی از یک میلیون و پانصد هزار ریال تا سه میلیون ریال را پیش‌بینی کرده شده است در حالی که در رأی دوم، شکار گراز مشمول ماده ۱۰ (بند الف) شده که کیفر یک تا شش ماه حبس یا جزای نقدی از یکصد هزار ریال تا یک میلیون ریال را تعیین کرده است شده. در واقع هر چند هر دو رأی به درستی صادر شده‌اند اما محور بحث در خصوص آشفتگی قوانین است زیرا اثر منفی این سیاست آن است که در صورت شکار با اسلحه دیگری دیگر تفاوتی میان جانور شکار شده - مانند یوزپلنگ در معرض خطر انقراض و کبک که جانور عادی است و جمعیت فراوانی دارد - نیست.

۵. شکار کل و بز

در این خصوص پنج رأی بیان خواهد شد.

الف: «در خصوص اتهام آقایان... دایر بر مشارکت در شکار غیرمجاز حیوانات «دو رأس کل و بز» در منطقه شکار ممنوع اشکورات بخش رحیم‌آباد. دادگاه بزه انتسابی به مشارالیه‌هم را محرز دانسته و مستنداً به بند ب ماده ۱۱ قانون شکار و صید مصوب سال ۱۳۴۶/۳/۱۶ ... هر یک از متهمین فوق را به تحمل شش ماه حبس تعزیری محکوم می‌نماید»^۳.

۱. دادنامه مورخ ۱۳۹۵/۴/۲۴ شعبه دادگاه عمومی بخش بیرانوند استان لرستان.

۲. دادنامه مورخ ۱۳۹۵/۵/۱۳ شعبه ۱۰۳ دادگاه کیفری دو خرم‌آباد.

۳. دادنامه مورخ ۱۳۹۴/۳/۹ شعبه دادگاه عمومی بخش رحیم‌آباد.

ب: «در خصوص اتهامات آقای... مبنی بر ۱-... ۲-... ۳- مباشرت در شکار غیرمجاز دو کل وحشی و یک بز وحشی در منطقه حفاظت شده... دادگاه... با استناد به ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و... ماده ۱۲ از قانون شکار و صید حکم به محکومیت متهم به تحمل... سه سال حبس تعزیری به جهت ارتکاب بزه شق سوم صادر می‌نماید»^۱.

پ: «در خصوص اتهامات آقای... دایر بر ۱-... ۲-... ۳- شکار غیرمجاز یک رأس بز کوهی در منطقه حفاظت شده سفیدکوه خرم‌آباد... به استناد بند الف از ماده ۱۲ قانون شکار و صید مصوب ۱۳۴۶ ایشان به سه سال حبس تعزیری محکوم می‌شوند»^۲.

ت: «در خصوص اتهام آقای... دایر بر شکار غیرمجاز یک رأس بز کوهی در منطقه حفاظت شده سفیدکوه خرم‌آباد... به استناد بند ب ماده ۱۲ قانون شکار و صید متهم موصوف را به پرداخت مبلغ پانزده میلیون ریال جزای نقدی (با احتساب ایام بازداشت قبلی) محکوم می‌نماید»^۳.

ث: «در خصوص اتهامات آقای... ۱- و ۲- شکار غیرمجاز یک رأس کل وحشی (پازن)... به استناد بند ب از ماده ۱۲ از قانون شکار و صید مصوب ۱۳۴۶ و با رعایت ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و لحاظ قاعده تعدد مادی جرائم، متهم موصوف را از حیث بزه شق نخست به تحمل... و از لحاظ بزه شکار غیرمجاز یک رأس کل وحشی (پازن) به تحمل سه سال حبس تعزیری محکوم می‌نماید...»^۴.

در خصوص آرای مرتبط با شکار کل و بز وحشی دو نکته قابل ذکر است. نخست آن که ایراد عملکرد مقنن در جرم‌انگاری بر مبنای معیارهای مستقل مانند مکان گونه‌های جانوری در این آراء به وضوح نمایان است. توضیح آن که کل و بز هم بر مبنای مصوبه شماره ۱۶۸ و هم بر مبنای عرف کارشناسان زیست محیطی از جمله جانوران عادی محسوب می‌شوند که از جمعیت خوبی برخوردارند که از این رو مشمول ماده ۱۰ قانون شکار و صید خواهند شد. این در حالی است که در رأی الف مشمول ماده ۱۱، و در آرای ب تا ث مشمول ماده ۱۲ شده‌اند که اگر در پارک ملی نیز شکار می‌شدند همسان با گونه‌های جانوری رو به انقراض مانند یوزپلنگ می‌گشتند. دوم، ایراد وارد بر آرای الف و ب آن است که از اساس یک کیفر برای چند شکار در نظر گرفته شده است، این در حالی است که باید برای هر شکار یک کیفر در نظر گرفته شود نه آن که بزه‌کار را در برابر شکار چند گونه جانوری مشمول یک کیفر قرار داد.

۱. دادنامه مورخ ۱۳۹۴/۴/۸ شعبه ۱۰۲ دادگاه کیفری دو بهبهان.

۲. دادنامه مورخ ۱۳۹۵/۴/۱۵ شعبه ۱۰۲ دادگاه کیفری دو خرم‌آباد.

۳. دادنامه مورخ ۱۳۹۵/۷/۱۵ شعبه ۱۰۲ دادگاه کیفری دو خرم‌آباد.

۴. دادنامه مورخ ۱۳۹۵/۸/۲۶ شعبه ۱۰۲ دادگاه کیفری دو خرم‌آباد.

۶- شکار قمری

در دادنامه‌ای به اتهام شکار و صید در فصول و ساعات ممنوع آمده است: «در خصوص اتهام آقای... دایر بر شکار دو قطعه پرند قمری دادگاه با توجه به... بزهکاری نامبرده را محرز تشخیص داده و به استناد ماده ۱۰ قانون شکار و صید نامبرده را به تحمل سه ماه حبس تعزیری محکوم می‌نماید»^۱. این دادنامه هر چند با تشخیص ماده صحیح صادر شده چرا که قمری جانوری عادی است، اما ایراد اساسی آن، علاوه بر آن که واژه صید به نادرستی بیان شده تفاوت موضوع اتهام با رفتار مرتکب است. در واقع اتهام وی در صدر رای شکار و صید در فصول و ساعات ممنوع بیان شده در حالی که در متن رای اشاره‌ای به این امر نشده و رفتار مرتکب بر پایه ماده ۱۰ کیفر داده شده. این در حالی است که اگر وی مرتکب شکار قمری در فصول و ساعات ممنوع شده است باید بر مبنای ماده ۱۱ رای صادر می‌شد.

۷- شکار سهره

«در خصوص اتهام آقایان... دایر بر شکار پنج قطعه سهره با عنایت به... بزه انتسابی را محرز تشخیص داده و با استناد به ماده ۱۱ قانون شکار و صید حکم بر محکومیت به تحمل نود و یک روز حبس صادر می‌نماید». این رای نیز همانند موارد پیشین علاوه بر این که مقررات تعدد بزه را به جهت شکار پنج قطعه سهره رعایت نکرده ماده استنادی را نیز نادرست تشخیص داده چرا که سهره بر اساس مصوبه شماره ۱۶۸ از جمله پرندگان عادی است که مشمول ماده ۱۰ می‌شود»^۲.

۸- صید ماهی

«در خصوص شکایت اداره حفاظت محیط زیست شهرستان خرم‌آباد علیه آقای... دایر بر: «صید غیرمجاز تعداد ۴۶ قطعه ماهی» نظر به... بزهکاری مشارالیه محرز بوده، لذا دادگاه با استناد به ماده ۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، مواد ۲ و ۶ و شق (۱) بند (ج) ماده ۲۲ قانون حفاظت و بهره‌برداری از منابع آبی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۴/۶/۱۴، بند (۳) ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی قانون حفاظت و بهره‌برداری از منابع آبی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۸/۲/۵ (هیأت وزیران)، بند الف ماده ۱۰ قانون شکار و صید (اصلاحی ۱۳۷۹/۹/۲۵) و نیز پرداخت مبلغ هشت میلیون ریال به‌عنوان جریمه به حساب سازمان محیط زیست، را به پرداخت مبلغ یک میلیون ریال به‌عنوان جزای نقدی در حق صندوق دولت جمهوری اسلامی ایران محکوم می‌نماید»^۳. همانند موارد پیشین، رأی مزبور در خصوص مستند قانونی مورد ذکر دارای چهار ایراد می‌باشد. نخست آن که هر چند استناد به شق (۱) بند (ج) ماده ۲۲ قانون حفاظت و بهره‌برداری از منابع

۱- دادنامه صادره از شعبه اول دادگاه عمومی شهرستان منوجان استان کرمان.

۲- دادنامه مورخ ۱۳۹۵/۵/۲۱ شعبه اول دادگاه عمومی بخش رابر استان کرمان.

۳- دادنامه مورخ ۱۳۹۵/۴/۲۴ شعبه دادگاه عمومی بخش سپیددشت استان لرستان.

آبزی جمهوری اسلامی ایران صحیح می‌باشد، اما با توجه به این که قانون مذکور موجب خروج بزه صید غیرمجاز از تحت حکومت قانون شکار و صید شده است، بنابراین استناد مرجع قضایی به بند الف ماده ۱۰ این قانون صحیح نمی‌باشد. دوم آن که کیفر مقرر در بند ج ماده ۲۲ فقط کیفر نقدی می‌باشد در حالی که ماده ۱۰ قانون شکار و صید علاوه بر کیفر نقدی، کیفر حبس را نیز پیش‌بینی کرده است که این امر سبب می‌شود هم‌زمان بر یک موضوع واحد دو مقرره متفاوت بار شود. سوم آن که کیفر نقدی مقرر در ماده ۱۰ از یکصد هزار ریال تا یک میلیون ریال می‌باشد در حالی که کیفر نقدی مقرر در ماده ۲۲ از یک میلیون تا ده میلیون ریال می‌باشد؛ از این رو این دو کیفر با هم متناسب نیستند. از دیگر سو دادرسی نیز کیفری را برگزیده است (هشت میلیون ریال) که از اساس در گستره کیفر مقرر در ماده ۱۰ نمی‌گنجد. ایراد چهارم آن است که در ماده ۲۲، کیفر مزبور با توجه به «مراتب و درجات جرم» برای مرتکب تعیین می‌شود در حالی که در ماده ۱۰، چنین امری دیده نمی‌شود. معنای این امر آن است که مطابق ماده ۲۲ می‌توان برای بزه‌های ارتكابی شخص که صید ۴۶ قطعه ماهی است یک کیفر را تعیین کرد، در حالی که بر اساس ماده ۱۰ هر کیفر در برابر هر بزه قرار خواهد گرفت، به همین جهت از یک سو چون شخص مرتکب ۴۶ بزه (صید ۴۶ قطعه ماهی) شده است و از سوی دیگر کیفر مقرر در ماده ۱۰ در درجه هفت جای می‌گیرد باید ۴۶ کیفر برای وی در نظر گرفته شوند که بر اساس تبصره ۴ ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با هم نیز جمع می‌شوند.

ب: سیاست کیفری قضایی حمایت‌مدار از گونه‌های جانوری در معرض خطر انقراض

آرای قضایی در مورد شکار قوچ و میش، پلنگ و آهو در این قسمت مورد تحلیل قرار خواهند گرفت.

۱- شکار قوچ و میش

«در خصوص تجدیدنظرخواهی اداره کل حفاظت محیط زیست استان لرستان نسبت به دادنامه شماره ۹۵/۹۵ صادره از شعبه ۱۰۱ دادگاه کیفری دو شهرستان دورود که به موجب آن آقای... به لحاظ حمل یک قبضه اسلحه شکاری بدون مجوز قانونی و مباشرت در شکار غیرمجاز دو رأس قوچ و دو رأس میش وحشی در مناطق حفاظت شده تبرئه گردیده دادگاه با استناد به بند ب ماده ۴۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری، مواد ۶۸۰ قانون مجازات اسلامی و بند الف ماده ۶ قانون قاچاق اسلحه و مهمات و دارندگان سلاح و مهمات غیرمجاز، ماده ۱۲ قانون شکار و صید ضمن نقض دادنامه

نامبرده از حیث حمل یک قبضه اسلحه شکاری به پانزده میلیون ریال جزای نقدی و از حیث شکار غیرمجاز به پرداخت هجده میلیون ریال جزای نقدی به نفع دولت محکوم می‌نماید.^۱

در خصوص این رأی نیز چند ایراد وجود دارد. نخست آن که هر چند به موجب مصوب شماره ۱۶۸ قوچ و میش در زمره جانوران حمایت شده هستند اما امروزه نسل‌ها در معرض انقراض است. به همین جهت چنانچه جانوری در معرض انقراض باشد مشمول بند الف ماده ۱۳ خواهد شد هر چند که وضعیت آن با دیگر مواد نیز سازگار باشد. مانند آن که گونه جانوری در منطقه ممنوع (ماده ۱۱) یا در منطقه حفاظت شده یا پناهگاه حیات وحش (ماده ۱۲) شکار شود. از این رو استناد به ماده ۱۲ صحیح نمی‌باشد هر چند که جانور در منطقه حفاظت شده شکار شده است. از دیگر سو استناد به ماده ۶۸۰ نیز عبث و بیهوده است بنابراین مرجع قضایی باید فقط بند الف ماده ۱۳ قانون شکار و صید را مدنظر می‌داشت. دوم آن که دادرسی به تعدد جرم توجهی نداشته است. در واقع محکوم علیه مرتکب پنج جرم (حمل اسلحه، شکار دو رأس قوچ و دو رأس میش) شده است نه دو جرم (حمل اسلحه و شکار). این در حالی است که هر چند کیفر حمل سلاح شکاری در درجه هفت قرار می‌گیرد و بر اساس تبصره چهار ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با دیگر کیفرها جمع می‌شود اما تعداد قوچ و میش شکار شده باید در پرتو تعدد بزه مورد تحلیل قرار می‌گرفت نه آن که تمامی شکار را یک جرم دانست.

۲- شکار پلنگ

«در خصوص تجدیدنظرخواهی اداره حفاظت محیط زیست شهرستان سوادکوه نسبت به دادنامه شماره ۹۴۰۹۹۷۱۹۵۷ صادره از شعبه ۱۰۱ دادگاه کیفری دو شهرستان سوادکوه که متضمن برائت تجدیدنظر خوانده آقای... از اتهام شکار غیرمجاز می‌باشد با توجه به محتویات پرونده و لایحه تجدیدنظرخواه به این که «برابر بررسی و تحقیقات محسوس و غیرمحسوس نامبرده یکی از دامداران منطقه بوده و کاملاً از جز جز زوایای منطقه اطلاع داشته و یکی از شکارچیان حرفه‌ای و با تجربه منطقه بوده است و در تحقیقات مدعی بوده عکس فتوشاب بوده و بعداً بیان داشته پلنگ را پیدا کرده و از وی عکس گرفتم» دادگاه تجدیدنظرخواهی تجدیدنظرخواه را وارد تشخیص و در اجرای بند پ ماده ۴۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری دادنامه تجدیدنظر خواسته را نقض و تجدیدنظر خوانده را با احراز بزه انتسابی مستنداً به ماده ۶۸۰ قانون مجازات اسلامی و بند الف ماده ۱۲ قانون شکار و صید به تحمل دو سال حبس محکوم می‌نماید».^۲

نکته قابل ذکر در خصوص این رأی آن است که تکلیف بزه دیده شکار (پلنگ) از منظر مواد استنادی و وضعیت آن در نظام حقوقی ایران روشن گردد. توضیح آن که از یک سو مرجع

۱- دادنامه مورخ ۱۳۹۵/۷/۱۴ شعبه هشتم دادگاه تجدیدنظر استان لرستان.

۲- دادنامه مورخ ۱۳۹۵/۵/۲ شعبه ۱۰ دادگاه تجدیدنظر استان مازندران.

تجدیدنظر در تعیین کیفر برای شکارچی پلنگ به ماده ۶۸۰ (قانون تعزیرات) و ماده ۱۲ (قانون شکار و صید) استناد کرده است. با نگاهی به این مواد نمایان می‌گردد که ماده ۶۸۰ رویکردی مکان‌محور داشته اما ماده ۱۲ رویکردی گونه‌محور که جمع بین این دو مقررره چندان منطقی نیست. به همین جهت از اساس ماده ۶۸۰ نسخ شده است. از دیگر سو، استناد به بند الف ماده ۱۲ نیز صحیح به نظر نمی‌رسد زیرا هر چند که مصوبه شماره ۱۶۸ پلنگ را از جمله پستانداران حمایت شده دانسته است اما در حال حاضر وضعیت پلنگ به گفته کارشناسان محیط زیست در معرض انقراض قرار گرفته است به همین جهت باید آن را مشمول ماده ۱۳ دانست نه ماده ۱۲. چنین تفسیری هم با ماده ۱۳ که به صورت تمثیلی بیان شده است سازگار می‌باشد و هم بستری مناسب را برای ورود عرف به قلمرو حقوق کیفری فراهم می‌کند.

۳- شکار آهو

«در خصوص اتهام آقایان... دایر بر مشارکت در شکار آهو حیوان حمایت شده در منطقه حفاظت شده و در فصل ممنوعه به استناد مواد ۱۰ و ۱۲ و ۱۳ قانون شکار و صید به پرداخت مبلغ ده هزار ریال جزای نقدی محکوم می‌شوند»^۱.

هم‌چنان که ملاحظه می‌شود آشفتگی در این دادنامه نمایان است چرا که در خصوص یک رفتار و یک بزه دیده به سه مقررره متفاوت استناد شده است. به راستی چه تفاوتی میان آهوی شکار شده در منطقه حفاظت شده و در فصل ممنوعه و غیر آن‌ها وجود دارد که باید سیاستی چندگانه را در نظر گرفت. پیامد این امر آن است که دادرس یک رفتار را مشمول سه مقررره متفاوت قرار داده است.

ج: سیاست کیفری قضایی حمایت‌مدار از گونه‌های جانوری اهلی

«در خصوص اتهام م. ز دایر بر ارتکاب فعل حرام به صورت آتش زدن عمدی یک رأس الاغ زنده و جریحه‌دار کردن افکار و عفت عمومی با عنایت به اوراق و محتویات پرونده و اینکه متهم با ریختن بنزین بر روی الاغ مبادرت به آتش زدن آن نموده که الاغ مزبور بعد از طی چندین کیلومتر و گذشت ۲۴ ساعت با وضعیت تأثربرانگیز تلف می‌شود و بلافاصله چنین عمل زشت و ناپسندی افکار عمومی مردم را تحت الشعاع قرار می‌دهد به نحوی که قریب یک ماه مردم در نقاط مختلف شهر از زشتی این اقدام غیرانسانی صحبت می‌کردند لهذا بنا به مراتب فوق‌الاشعار و اقرار صریح متهم و کیفرخواست صادره از دادسرای عمومی و انقلاب فسا بزه‌کاریش به نظر دادگاه محرز است مستنداً به ماده ۶۳۸ از قانون مجازات اسلامی حکم به محکومیت متهم به تحمل پنجاه ضربه شلاق صادر و اعلام می‌دارد...».

۱- دادنامه مورخ سال ۱۳۵۸ دادگاه عمومی محلات استان مرکزی.



در خصوص این رأی باید بیان داشت که از یک سو ارزشمند و از سوی دیگر ناصواب می‌باشد. ارزشمندی این رأی را می‌توان از منظر جرم‌شناسی انتقادی گونه‌های حیوانی بررسی کرد. جرم-شناسی انتقادی گونه‌های حیوانی که یکی از شاخه‌های جرم‌شناسی انتقادی است بر شناسایی و مطالعه حیوانات یا موجودات غیرانسانی به‌عنوان بزه‌دیدگان و قربانیان طیف وسیعی از اعمال، سیاست‌ها و جرایم ارتكابی نهادهای غیردولتی و دولتی، انسان‌ها و اشخاص حقوقی تأکید می‌ورزد^۱ (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۹۵: ۲۰) از این رو از دیدگاه این جرم‌شناسی جرم علیه گونه‌های حیوانی عبارت از هر رفتاری است که به ورود درد، رنج و یا مرگ حیوان منجر شود یا «حقوق رفاهی» آن را به مخاطره اندازد (خانعلی‌پور و هم‌کاران، ۱۳۹۵: ۱۱۱) حتی اگر در قوانین جرم‌انگاری نشده باشند. بدین‌سان تلاش دادرس برای حمایت از جانوران با استناد به مقررهای نامرتب (ماده ۶۳۸ قانون تعزیرات) ارزشمند و قابل ستایش است.

اما از سوی دیگر ایراداتی چند بر مستند قانونی آن وارد است که بهتر است گفته شود سرچشمه این ایرادات عملکرد ضعیف مقنن در حمایت از تمامی گونه‌های جانوری است. نخستین ایراد آن است که وضعیت الاغ رها شده در نظام حقوقی ایران، وضعیتی می‌باشد که قانون‌گذار حمایت کیفری از آن به‌عمل نیاورده است. زیرا از یک سو الاغ از جمله جانوران وحشی نیست که مورد حمایت قانون شکار و صید قرار گیرد و از دیگر سو در زمره اموال اشخاص قرار نمی‌گیرد که بتوان از ره‌گذر تخریب مورد حمایت قرار گیرد و حتی اگر هنوز رها نشده باشد و جز اموال اشخاص باشد، استناد به بخش نخست ماده ۶۷۹ قانون تعزیرات صحیح نمی‌باشد زیرا الاغ در زمره جانوران حلال‌گوشت قرار نمی‌گیرد. دوم آن که دادرس در متن رأی به جریحه‌دار شدن «افکار و عفت عمومی» استناد کرده است در حالی که با ملاحظه متن ماده نمایان می‌شود که واژه «افکار» در آن وجود ندارد و تنها از عفت عمومی سخن به میان آمده است هر چند که عنوان فصل هجدهم قانون تعزیرات جرائم ضد «عفت و اخلاق عمومی» می‌باشد. دلیل ذکر این مطلب آن است که ماده ۶۳۸ از دو بخش تشکیل شده است. نخست تظاهر به‌عملی حرام به‌طور علنی در انظار و اماکن عمومی که نفس آن دارای کیفر است و دوم ارتكاب رفتاری که هرچند نفس آن دارای کیفر نمی‌باشد اما عفت عمومی را جریحه‌دار می‌کند. بنابراین نمایان می‌گردد که احراق الاغ رفتاری است که مشمول بخش دوم ماده می‌گردد نه بخش نخست زیرا یک رفتار مباح است که به‌طور علنی در انظار و اماکن عمومی تحقق یافته است. حال پرسش‌هایی که در پس این وضعیت پیش می‌آید آن است که آیا احراق الاغ عملی حرام است؟ و آیا احراق الاغ در گستره واژه «عفت عمومی» قرار می‌گیرد؟

۱- علاوه بر جرم‌شناسی انتقادی گونه‌های حیوانی، یکی از موضوعات مهم قابل بررسی در جرم‌شناسی سبز نیز وضعیت گونه‌های جانوری است (عباچی، ۱۳۹۵: ۷۹۴).

در پاسخ به پرسش نخست باید گفت که در فقه محیط زیست از یک سو به طور عام حرمت آسیب رسانی به محیط زیست که جانوران نیز جز آن محسوب می شوند بیان شده و از سوی دیگر به طور خاص آزار جانوران نهی شده است. در معنای عام می توان علاوه بر اشاره به قواعدی چون لاضرر، اتلاف، ضمان و مصلحت که متضمن منع آسیب به محیط زیست هستند (فهیمی و عرب-زاده، ۱۳۹۱: ۱۹۰) آیاتی از قرآن را بیان کرد که به منع فساد در زمین اشاره کرده اند. از جمله: ﴿وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا﴾ (اعراف/۳۱)؛ بخورید و بیاشامید اما اسراف نکنید؛ ﴿وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا...﴾ (اعراف/۵۶ و ۸۵)؛ و در زمین پس از اصلاح آن فساد نکنید...؛ ﴿وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ﴾ (بقره/۲۰۵)؛ هنگامی که روی بر می گردانند (و از نزد تو خارج می شوند) در راه فساد در زمین، کوشش می کنند و زراعت ها و چهارپایان را نابود می سازند، (با این که می دانند) خدا فساد را دوست نمی دارد. بنابراین همان گونه که در علم اصول ثابت است نهی ظهور در حرمت و ممنوعیت دارد؛ پس هرگونه تخریب یا اتلاف یا ضرر بر محیط زیست از دید قرآن، حرام و ممنوع است (محمدزاده رهنی، ۱۳۸۹: ۱۸۶). اما به طور خاص در برخی روایات آسیب رساندن به حیوانات نهی شده است. از جمله: ضربه زدن به صورت حیوان، تحمیل بار بیش از تحمل او، داغ گذاشتن بر صورت وی، لعن کردن حیوان و سوزاندن آن، مثله کردن حیوان (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱: ۶۱-۲۰۴-۲۰۱)، و کندن پر پرندگان و شکار آن ها (العالمی، ۱۴۲۵، ۱۵-۵۹). بدین سان پاسخ پرسش مزبور مثبت است و احراق الاغ هر چند جرم نیست ولی عملی حرام است.

در پاسخ به پرسش دوم باید بیان داشت که هر چند بی شک چنین رفتارهایی برخلاف اخلاق عمومی می باشد اما بخش دوم ماده ۶۳۸ ناظر بر عفت عمومی است که جدا از اخلاق عمومی می باشد. در واقع اخلاق عمومی به جهت تفاوت تلقی متعارف و موجود در جوامع و برداشتی که اندیشمندان اخلاقی در موضوع دارند موضوعی روشن نمی باشد (برهانی، ۱۳۹۵: ۲). از این رو باید پاسخ این پرسش را منفی دانست و معتقد بود که احراق الاغ منافی عفت عمومی نیست زیرا عفت عمومی ناظر بر مسائل جنسی می باشد. چون علاوه بر تبصره این ماده که خود ناظر بر رعایت حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی است، با تفسیر موسع ماده ۶۳۸ نقض اصل قانونی بودن جرم و مجازات صورت خواهد گرفت.

۱. فساد مذکور در این آیه چون عام است فسادهای زیست محیطی را نیز در برمی گیرد (طباطبایی، ۱۳۶۰: ۵۶).

نتیجه گیری

امروزه دیگر نباید جانوران را به عنوان موجودات متعلق به کشوری خاص دانست زیرا ارزشمندی آن‌ها متعلق به تمام دنیا بوده و از این جهت در زمره میراث مشترک بشریت هستند. با وجود این سرزمین ایران از دیرباز نه تنها میزبان گونه‌های جانوری مهاجری بوده که هر ساله زیبایی خاصی را به این سرزمین می‌دهند بلکه مأمنی مناسب برای زیست گونه‌های جانوری بی نظیری چون یوز ایرانی بوده است. با وجود این امروزه علاوه بر تخریب زیستگاه جانوران، شکار و صیدشان از جمله عوامل کاهش نسل آن‌ها می‌باشد. به همین جهت حمایت کیفری از گونه‌های جانوری در برابر شکار و صید امری الزامی می‌باشد که مقنن ایرانی به آن اهتمام ورزیده است. اما هر چند از نخستین قانون گذاری ایران به صورت جامع در حمایت از شکار جانوران قریب شصت سال می‌گذرد اما هم چنان چالش‌های فراوانی در سیاست کیفری تقنینی ایران در حمایت از جانوران خشکی زی و آبی در برابر شکار و صید وجود دارد. چالش‌هایی که نه تنها سبب عدم شفافیت و آشفتگی در این سیاست شده، بلکه موجب بروز آشفتگی در سیاست کیفری قضایی و تشتت آراء در حمایت کیفری از جانوران شده است. از این رو سیاست کیفری قضایی گاه مستند قانونی رفتار شکارچی یا صیاد را اشتباه تشخیص داده و گاه از پایه رفتاری مباح را به سیطره حقوق کیفری وارد می‌نماید. به همین جهت ناگفته پیداست که اصلاح سیاست تقنینی ایران در حمایت کیفری از جانوران امری الزامی می‌باشد. بدین سان در راستای این اصلاح می‌توان چند پیشنهاد را مطرح کرد که آن‌ها را باید گامی نخستین و ابتدایی در حمایت مطلوب از جانوران دانست. نخست آن که حمایت کیفری از جانوران باید تحت سیاست افتراقی قرار گیرد و با تصویب قانونی خاص در زمینه حمایت کیفری از آنان، علاوه بر رفع آشفتگی‌ها و تعارض‌های موجود، جرم‌انگاری‌های جدید مانند حیوان آزاری و حمایت کیفری از گونه‌های جانوری مهاجر در آن صورت گیرد. دوم آن که حمایت کیفری از جانوران باید گونه‌محور شود و سایر معیارها مانند مکان شکار، طریقه و وسیله شکار به عنوان کیفیت مشدده کیفر در نظر گرفته شوند نه به عنوان معیاری مستقل برای جرم‌انگاری. سوم آن که شورای عالی محیط زیست و سازمان‌های مربوطه باید در سطح مقررات فروتقنینی علاوه بر تعیین فهرست گونه‌های جانوری موجود در ایران و وضعیت آنان (عادی، حمایت شده و در معرض خطر)، به تعیین فهرست مناطق شکار ممنوع و ادوات غیرمجاز (جرم‌انگاری وسیله محور) بپردازند تا علاوه بر آگاهی عموم از حد و مرزهای ممنوع شده، مراجع قضایی به طور شفاف بتوانند مستند قانونی رفتار بزه کارانه را مشخص نمایند. سرانجام آن که قانون برنامه پنج ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران در بخش نهم تکالیفی از جمله احیا و مدیریت مناسب از زیستگاه‌های گونه‌های جانوری در حوزه تالاب‌ها، جنگل‌ها و مناطق چهارگانه محیط زیست (بخصوص بازنگری در محدوده مناطق چهارگانه محیط زیست و همچنین تعریف و تقسیم‌بندی جدید مناطق با توجه به تقسیمات

نوبین اتحادیه جهانی حفاظت از طبیعت (IUCN) توسط سازمان حفاظت محیط زیست) را بر عهده دولت گذاشته که لازم است این اقدامات صورت گیرد تا حمایت از گونه‌های جانوری به نحو مطلوب-تری صورت گیرد.

منابع

قرآن کریم.

برهانی، م. (۱۳۹۵)، **اخلاق و حقوق کیفری**، چاپ نخست، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

بیگزاده، ا؛ کمالی، ع. (۱۳۹۰)، «رویکرد گونه‌محور در حمایت بین‌المللی از تنوع زیستی: حفاظت و بهره‌برداری از گونه‌های مهاجر در حقوق بین‌الملل»، **مجله تحقیقات حقوقی**، ویژه‌نامه (۵): ص ۲۸۴-۲۴۵.

تقی‌زاده انصاری، م. (۱۳۷۴)، **حقوق محیط زیست در ایران**، چاپ نخست، تهران: انتشارات سمت. خالقی، ا. (۱۳۸۹)، «تحلیل تدابیر کیفری ملی در حفاظت از گونه‌های جانوری با تأملی بر اسناد فراملی»، **فصلنامه حقوق (مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی)**، ۴۰(۴): ص ۱۷۲-۱۵۵. خالقی، ا. (۱۳۹۰)، «سیاست جنایی تقنینی ایران در قبال صید غیرمسئولانه آبزیان با مطالعه تدابیر فراملی»، **مجله پژوهش حقوق و سیاست**، ۱۳(۳۲): ص ۶۲-۳۱.

خانعلی‌پور، س؛ آقابابایی، ح؛ انصاری، ا. (۱۳۹۵)، «حقوق حیوانات در سنجه جرم‌شناسی انتقادی گونه‌های حیوانی»، **پژوهشنامه حقوق کیفری**، ۷(۲): ص ۱۲۹-۱۰۵. رضانی‌قوام‌آبادی، م. (۱۳۸۸)، «حمایت کیفری از گونه‌های جانوری در ایران»، **فصلنامه علوم محیطی**، ۷(۲): ص ۹۴-۷۷.

طباطبایی، س م ح. (۱۳۶۰)، **المیزان فی تفسیر القرآن**، قم: مؤسسه النشر الاسلامی. العاملی، ج. (۱۴۲۵)، **حقوق الحيوان فی الاسلام**، بیروت: مرکز الاسلامی للدراسات. عباچی، م. (۱۳۹۵)، «جرم‌شناسی سبز»، **دایره المعارف علوم جنایی (مجموعه مقالات تازه-های علوم جنایی)**، زیر نظر علی حسین نجفی‌ابرنادآبادی، کتاب دوم، چاپ دوم، تهران: نشر میزان.

فرهنگ‌نامه حیات وحش ایران. (۱۳۹۰)، ویرایش دوم، چاپ چهارم، تهران: نشر طلایی. فهیمی، ع؛ عرب‌زاده، ع. (۱۳۹۱)، «مبانی فقهی حقوق محیط زیست»، **پژوهش‌نامه حقوق اسلامی**، ۱۳(۱): ص ۲۰۹-۱۸۹.

قاسمی، ن. (۱۳۸۴)، **حقوق کیفری محیط زیست**، چاپ دوم. تهران: جمال‌الحق.

- قوام، م. ع. (۱۳۷۴)، *حمایت کیفری از محیط زیست*، چاپ اول، تهران: انتشارات سازمان حفاظت محیط زیست.
- گرجی فرد، ح. ر. (۱۳۹۵)، *جرم‌شناسی سبز*، چاپ نخست، تهران: نشر میزان.
- لازرژ، ک. (۱۳۹۶)، *درآمدی بر سیاست جنایی*، چاپ ششم، برگردان: علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: انتشارات میزان.
- مجنونیان، ه. (۱۳۷۹)، *مناطق حفاظت شده ایران*، تهران: انتشارات سازمان حفاظت محیط زیست.
- مجلسی، م. ب. (۱۴۰۳)، *بحار الانوار*، بیروت: دار الحیاء التراث العربی.
- محمدی، ا. (۱۳۸۷)، *مبانی استنباط حقوق اسلامی*، چاپ سی‌ام، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- محمدزاده رهنی، م. (۱۳۸۹)، «بررسی مبانی فقهی حمایت از محیط زیست»، *فصلنامه فقه و تاریخ تمدن*، ۶(۲۵): ص ۱۹۵-۱۷۷.
- میرمحمدصادقی، ح. (۱۳۹۲)، *جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی*، چاپ بیست و یکم، تهران: نشر میزان.
- نجفی ابرندآبادی، ع. ح. (۱۳۹۶)، «سیاست جنایی»، *دانشنامه علوم جنایی اقتصادی*، چاپ نخست، زیر نظر امیرحسن نیازپور، تهران: انتشارات میزان.
- نجفی ابرندآبادی، ع. ح. (۱۳۹۵)، *جرم‌شناسی در آغاز هزاره سوم*، درآمد ویراست سوم دانشنامه جرم‌شناسی، چاپ سوم، تهران: کتابخانه گنج دانش.
- وایت، ر. (۱۳۹۵)، *جرایم زیست محیطی فراملی به سوی جرم‌شناسی جهان بوم*، برگردان: حمیدرضا دانش‌ناری، چاپ نخست، تهران: انتشارات میزان.
- Stretesky, P. and Lynch, M. (2009), «Does self-policing reduce chemical emissions?», *The Social Science Journal*, 46(3): pp 459-473.
- Walters, R. (2007), «Crime, regulation and radioactive waste in the United Kingdom», *Issues in Green Criminology. Confronting Harms against Environments, Humanity and Other Animals*, Edited by: P. Beirne and N. South. Portland: William Publishing, pp. 186-205.
- Ragnhild, S. (2013), «Animal Trafficking and Trade: Abuse and Species Injustice», *Emerging Issues in Green Criminology Exploring Power, Justice and Harm*, Edited by: Reece Walters, Diane Solomon Westerhuis and Tanya Wyatt, First published, Palgrave Macmillan, pp 72-92.